



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
دوشنبه
مادی ۱۴۰۳ / ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶ / 30 December 2024
۸ صفحه / پنج هزار تومان / سال سوم / شماره چهارصد و نود و هشت
www.asrghanoon.ir

ابتلا

غده سرطانی منطقه

طبق اعلام منابع صهیونیستی، بنیامین نتانیا هو به سرطان پروستات مبتلا شده است

جلسه ادای شهادت نتانیا هو در دادگاه تل آویو که قرار بود روز دوشنبه برگزار شود، به دلیل عمل جراحی نخست وزیر به تعویق افتاده است.
در ماه مارس ۲۰۲۴ نیز نتانیا هو برای جراحی فتق تحت بی هوشی کامل قرار گرفت او سپس در همان ماه به دلیل ابتلا به آنفولانزا چند روز خانه نشین شده بود. سال گذشته میلادی نتانیا هو در ماه ژوئیه برای نصب دستگاه ضربان ساز قلب تحت جراحی قرار گرفته بود. او برای این عمل جراحی از روز ۱۵ تا ۲۳ ژوئیه در بیمارستان بستری بود.
در نتیجه این تحولات برخی رسانه های اسرائیلی گمانه زنی درباره حرکت وضعیت سلامتی نتانیا هو به سوی وخامت و پنهان کردن آن از نظر عموم را آغاز کردند.

آبان ۹۸ حادثه نبود



ظاهرأ برای برخی عناصر دولت پیگیری مطالبات آنها که در انتخابات شرکت نکردند مهم تر از پیگیری مطالبات کسانی است که در انتخابات شرکت کردند.

۳

موضع سعودی وهابی مدخلی در تحولات سوریه چیست؟



قرار است خاورمیانه جدید شکل بگیرد و اگر بخواهیم انتظار موضع مستقل از عربستان سعودی و جریان وهابیت حاکم داشته باشیم طبیعی است که چنین چیزی خلاف واقعیت است.

۴

حاشیه نشینی در ایران، مسئله ای جدی و بحران ساز



تاریخ ایران به ویژه در عصر انقلاب اسلامی شاهد آن است که تهی دستان شهری و حاشیه نشینان سهم بسیار بالاد در انقلاب و به ویژه مشارکت جدی در رخداد های اجتماعی پس از آن ایفا کرده اند.

۴

تغییرات دوران ساز تجارت جهانی



در جهان کنونی و با وجود گسترش زنجیره های ارزش، محصولات تولیدی فعلی تنها ساخت یک کشور نبوده و ساخت جهان هستند

۵

از زخم کاری تا گلابیاتور ۲



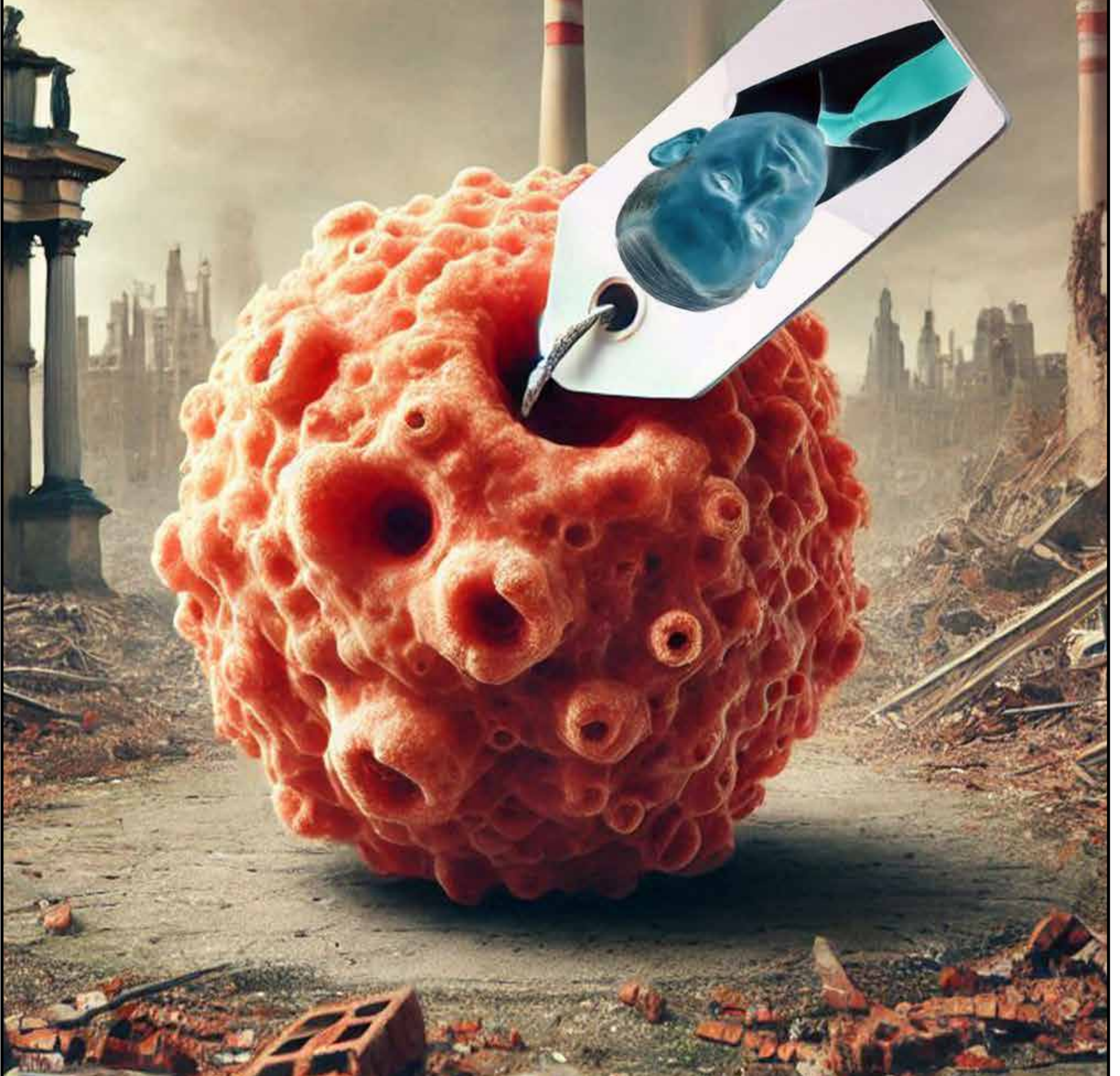
این نوع سیاست گذاری فرهنگی مدیران برخی پرمخاطب ترین سگوها، یعنی این که ایرانیان از آمریکایی ها، خشونت پسند تر و روادار ترند نسبت به دیدن و ترویج صحنه های فجیع خشن در سینماها، منازل و گوشی های خود، خانواده و فرزندان شان.

ایران سایبری- فیزیکی آینده



دلیلی ندارد که تن به غربی شدن بدهد و منافع و هویت ملی خودش را به نفع غربی ها به محاق ببرد و استقلال حکمرانی خودش را خدشه دار نماید

۷



شکست فتنه با بصیرت مردم

اکبر معصومی



آبان ۹۸ حادثه نبود

شهاب اسفندیاری

■ چند نکته درباره‌ی ابعاد سیاسی تحلیل‌ها و تجویزهای اقتصادی این روزها

سرمقاله‌ی ارگان بازارگرایان افراطی، همان‌ها که قهرمان‌شان خاویز میلی جانی است، دیروز با تشبیه مقامات کشور به موجوداتی سرمزده و به خواب رفته در دامنه کوه، از لزوم تصمیم‌های «سخت، مهم و تلخ» سخن گفته است.

چند روز قبل هم یکی از فعالان اقتصادی و رسانه‌ای نزدیک به وزیر اقتصاد از فوائد شوک درمانی و افزایش ناگهانی قیمت‌ها سخن گفته بود و نمونه‌های موفقی از اجرای آن در کشورهای مختلف را برشمرده بود. نکته مهم این بود که او تأکید کرده بود این کشورها بعضاً حسب ضرورت از «کشتار مردم» هم در اجرای برنامه‌های اقتصادی خود استفاده کرده بودند.

خط اصلی را همان استاد بازارگرایان افراطی و نویسنده‌ی سرمقاله‌ی فوق چند ماه قبل داده بود:

(۱) با حجاب و فیلترینگ طبقات متوسط و مرفه را سرگرم کنید

(۲) در روابط خارجی پرچم سفید تکان دهید؛

(۳) آن‌گاه تیغ بر کشید و به مأموریت اصلی (جراحی اقتصادی) بپردازید.

این یعنی ذبح طبقات محروم به پای ایدئولوژی نئولیبرالیسم. نکته جالب این است که این نسخه به عنوان «طرح نجات ایران» فروخته می‌شود. مانند نسخه‌ی «استراتژی توسعه‌ی صنعتی ایران» که در دهه هفتاد به قیمت گزاف فروخته و البته بعداً خمیر شد. اگر غایت آن استراتژی تعطیل صنعت ایران و تقلیل ما به فروشنده‌ی نفت بود، نتیجه‌ی محتوم این نسخه‌ی جدید «فروپاشی» است. ذبح طبقات محروم که حامی و پشتیبان اصلی نظام در این ۴۵ سال بوده‌اند، راه را برای انحلال جمهوری اسلامی در نظام سرمایه‌داری جهانی فراهم می‌کند. و مگر نئولیبرال‌ها جز این رویایی در سر دارند؟

برای سرکوب مستضعفین کدام چماق و کدام گلوله نزد نئولیبرال‌ها بهتر از چماق بسیج و گلوله‌ی نیروی انتظامی؟ هم فال است و هم تماشا. مگر پس از ارتکاب آبان ۹۸ قاه قاه نخندیدند؟ مگر نگفتند ما هم صبح جمعه فهمیدیم؟ مسیبان اصلی آبان ۹۸ اگر به دار آویخته شده بودند امروز دوباره همان سناریوها برای اجرا روی میز مقامات دولت قرار نمی‌گرفت.

جالب اینکه همزمان با تحولات فوق، یک «قهرمان پرتاب میکروفون» هم دیروز با افتخار فاش کرد که برنامه این است که ایران هم مثل شیخ‌نشین‌ها بشود «گاو شیرده غرب». حتماً ایشان مطلع است که ویژگی مطلوب شیخ‌نشین‌های منطقه برای غرب، غیر از توان شیردهی، این است که بهره‌مند از خشن‌ترین ابزار سرکوب طبقات مستضعف و محروم هستند؛ مجهز به آخرین فناوری‌های اژده. فی‌الواقع استاد جامعه‌شناسی مملکت می‌فرمایند یک‌دست شیر نفت و یک دست اژده برقی، رقیبی چنین میانه‌ی میدان با ترامپ آرزو است! چماق سوریه‌رسانی و هویج کشف حجاب و رفع فیلترینگ همه بهانه بود برای صاف کردن جاده‌ی استعلا و استیلاي دلا.

به نظر می‌رسد طراحان پشت صحنه قضایای این روزها همه را به حجاب و فیلترینگ سرگرم کردند تا چوب حراج به وجه رایج مملکت بزنند و جاده را برای استیلاي دلار در اقتصاد ایران صاف کنند. هرگز کسی اینگونه فجع به کشتن پول ملی خود برنخاسته بود. آنها که عهده‌دار امنیت جمهوری اسلامی هستند اگر امروز هشیار نباشند، فردا که ایران جولانگاه جولانی‌ها شود کارشان سخت‌تر خواهد بود.

ای کاش رئیس‌جمهور نهج‌البلاغه خوان ما، فراموش نکنند که بر اساس آمار و داده‌های انتخابات، مهم‌ترین نقش را در پیروزی نهایی ایشان بر رقیب، رای سه دهک محروم جامعه و رای روستاییان ایفا کرد. اینکه بعد از چند ماه دستاورد دولت بشود آزادسازی واردات آیفون ۱۶، حاکی از انحراف و جایجایی اولویت‌ها است. ظاهراً برای برخی عناصر دولت پیگیری مطالبات آنها که در انتخابات شرکت نکردند مهم‌تر از پیگیری مطالبات کسانی است که در انتخابات شرکت کردند. آقای رئیس‌جمهور نباید اجازه دهند افشار و گروه‌های خاصی دولت را گروگان بگیرند و به سمت مقاصد و منافع خاص خود هدایت کنند و در این میان طبقات محروم و افشار مستضعف ذبح شوند. همان‌گونه که دولت اصلاحات توسط یک تیم بحران‌ساز گروگان گرفته شد و پایگاه مردمی‌اش از دست رفت و در آزادترین انتخابات با سنگین‌ترین شکست مواجه شد.

ما موفقیت رییس‌جمهور را موفقیت خودمان می‌دانیم. این نقدهای خیرخواهانه هم از این روست که نمی‌خواهیم بازارگرایان افراطی و سرنگونی طلبان حکومتی که در روزنامه‌هایشان در وصف «بهار دمشق» غزل‌سرایی می‌کنند با طرح‌های تسلیم‌طلبانه سقوط دولت دکتر پزشکیان را تسهیل و تسریع کنند.

تغییر شرایط کشور بعد از حضور مردم در نه دی ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که مردم پایه اصلی حکومت و نظام اسلامی هستند. به عبارتی رابطه نظام اسلامی و مردم یک رابطه دوطرفه است که هر دو تکمیل‌کننده هم برای توسعه و رشد اقتصادی، سیاسی و معنوی می‌باشند. بر اساس واقعیت‌های میدانی در شرایطی که دشمن تلاش می‌کرد در سال ۸۸ انقلاب اسلامی را در بن‌بست قرار دهد و از طریق انقلاب رنگی محور سیاسی، امنیتی کشور را تغییر دهد، این مردم بودند که با بصیرت و شناخت خط سیاسی دشمن، مقابله توطئه‌های محور آمریکایی ایستادگی کردند.

بنابراین در جریان فتنه ۸۸ هر چه خواص نمره مردودی گرفتند، این مردم بودند که با بالاترین نمره، اجازه مصادره انقلاب خود را ندادند. در واقع در دل حضور حماسه‌ساز مردم در نه دی "رابطه امت با ولایت" به خوبی به جهان مخابره شد و این رابطه پایانی بر تمام فتنه پیچیده سال ۸۸ و به تبع آن تمام فتنه‌های بعد از آن شده است. تمرکز دشمن بر فضای مجازی و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در فرایند فتنه ۸۸ و فتنه‌های بعد از آن نشان می‌دهد که نخبگان و اتاق فکری محور شوم برای تغییر معادلات ذهنی جامعه و در نتیجه تغییر در قدرت ادراکی جامعه، تمرکز و حساب ویژه‌ای بر رسانه و فضای مجازی باز کرده‌اند.

توجه به برخی از رسانه‌هایی که در جریان فتنه ۸۸ نقش ویژه‌ای داشتند، و همچنین رسانه‌هایی که در دل اغتشاشات ۱۴۰۱ فعال بودند، می‌تواند در شناخت ابزار دشمن برای ایجاد فتنه کمک شایانی کند. بنابراین در طول ۴۵ سال گذشته ایالات متحده بزرگترین دشمن جمهوری اسلامی ایران بوده و بر مبنای دشمنی با ایران اقدام به تعیین سیاست‌های خود می‌کند. در واقع تاکتیک آمریکا در سیاست خارجی خود، بر مبنای راهبرد دشمنی با ایران طراحی و اجرا می‌گردد. با بررسی رفتار آمریکا در جریان فتنه ۸۸ و فتنه‌های بعد از آن نشان می‌دهد که واشنگتن بدنبال جداسازی مردم از نظام و عملاً در تحریم اقتصادی علیه ایران نیز، بدنبال رودرو کردن مردم مقابل انقلاب بوده است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در جریان فتنه ۱۳۸۸ حداقل ۸ "دفتر ویژه" در دبی، بگرام، بیشکک، باکو، سلیمانیه، آمستردام، لندن و واشنگتن به‌منظور ارتباط‌گیری، هماهنگ‌سازی، آموزش و تجهیز به‌مرور و در فاصله سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۸ راه افتادند.

این دفاتر بعضاً زیر نظر سیا و پنتاگون فعالیت می‌کردند.



در این میان دفتر دبی استثنائاً مستقیماً زیر نظر معاون اول رئیس‌جمهوری آمریکا فعالیت می‌کرد. بر اساس اسناد این دفتر به سرشاخه‌هایی در تهران وصل و از طریق این سرشاخه‌ها، نخبگان ایرانی در حوزه‌های مختلف را شناسایی و دعوت به همکاری می‌کردند. علاوه بر این دفاتر ویژه، دست‌کم ۱۷ سفارت‌خانه غربی شامل سفارت‌خانه‌های انگلیس، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، سوئیس، دانمارک، فنلاند، کره جنوبی، ژاپن، سوئد، اسپانیا، اوکراین و... به جمع‌آوری اطلاعات حساس، ارتباط هدفمند با برخی از مراکز نظام، برگزاری جلسات با بعضی از نخبگان سیاسی مخالف نظام دینی، تجزیه و تحلیل‌های دوره‌ای و سنجش درجه و ماهیت تغییرات در جامعه ایران مشغول بودند.

بعضی از این سفارت‌خانه‌ها -خصوصاً سفارت انگلیس- تجهیز مخالفان و پشتیبانی مالی از آنان را دنبال می‌کردند. در فتنه سال ۱۳۸۸ بعضی از عوامل سفارت‌خانه‌های غربی به دلیل حضور مستقیم در آشوب‌های خیابانی بازداشت و محاکمه شدند. قطعی شدن مردم ایران یکی از آرزوهای دیرینه سرویس‌های امنیتی سیا، موساد و سرویس انگلیس در ایران است. آنها روی قومیت‌ها، مذاهب، برخی گروه‌ها و احزاب سیاسی طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب سوار شدند. اما نظام دانایی کشور در حوزه و دانشگاه و بصیرت مثال‌زدنی مردم هنگام فتنه‌انگیزی سرویس‌های دشمن، آنها را پیاده کرده است. دشمن در هر دوره جنگ شناختی با تلفات سنگین مجبور به عقب‌نشینی شد.

با در نظر گرفتن مدل غرب در جریان فتنه ۸۸ و تطبیق آن با اغتشاشات سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که آمریکا تلاش می‌کند از طریق سیاست مصون‌سازی (Hedging Strategy) هزینه برخورد با حکومت اسلامی را از طریق مردم خود ایران تأمین کند. این موضوع با بصیرت مردم در طول چهار دهه گذشته خنثی شده که اوج این بصیرت در نه دی ۱۳۸۸ بود که البته از این به بعد هم همین خواهد بود.

موضع سعودی وهابی مدخلی

در تحولات سوریه چیست؟

حجت‌الاسلام محمدباقر پورامینی با طرح این پرسش که وهابیت مستقر در عربستان سعودی چه نقشی را در تحولات شام دارد، گفت: وهابیت مستقر و حاکم همان وهابیت مدخلیه است، اگر نقطه مواجهه را در نظر بگیریم و از سوی دیگر جریانی که در سوریه مستقر شده اخوان باشد؛ در طول این هفتاد سال مواجهه‌های گوناگونی بوده است، برای پاسخ به این سوال باید نگاهی به این گذشته داشته باشیم. آثار متعددی نسبت به جدال اخوان و جامعیه وجود دارد، سلفیت جامی و مدخلی، به نوعی نگرشی که خواهد در آن از حاکم انتقاد شود را قبول ندارد، اما در این بین اخوان چه مواجهه‌ای با وهابیت مستقر داشت؟

مدیر گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: سعودی‌ها اخوانی‌ها را در شرایطی که کسی پذیرای آنها نبود قبول کردند، اخوان جریان تحصیل کرده‌ای بودند که می‌توانستند برای سعودی‌ها مفید باشند، یکی از اخوانی‌ها که در موج مهاجرت اخوان به عربستان آمد «محمد سرور زین‌العابدین» بود که تلفیقی را از مسائلی اعتقادی وهابیت با مسائلی توحید حاکمیتی و جنبشی اخوان ایجاد که دست‌چینی از ویژگی‌های اعتقادی وهابیت و خصایص ناهمگونی از اصول اخوان بود.

وی گفت: در این میان موضع سعودی وهابی مدخلی در تحولات سوریه چیست؟ با توجه به این پیشینه و مواجهه‌های که در ادوار مختلف بود و همچنین تعارضات هویتی که بین این دو جریان اخوان و جریان مدخلی وجود دارد، می‌توانیم موضع آنها را در سه گزینه خلاصه کنیم، اولاً آنها همچنان که در این دهه‌ها موضع مخالف با جریان اخوان داشتند با زیرگروه‌هایی که ذیل اخوان هستند موضع مخالفت خواهند داشت چون در هویت با یکدیگر در تضاد هستند، همچنان که ممکن است برای مصر هم این دغدغه باشد، نکته دیگر آن است که صرفاً ناظر سلامت باشند و خود را در این تحولات نیبینند، یا همراهی محافظه‌کارانه در کوتاه‌مدت داشته باشند از جمله دیدار اخیر هیات سعودی و قول برای بازگشایی سفارت‌شان نشان از این مساله دارد؛ به هر روی منافع دولت حاکم در عربستان سعودی اقتضا می‌کند که این همراهی را داشته باشند و اصلاً عربستان نمی‌خواهد خود را درگیر کند و همان درگیری در یمن برایش کفایت می‌کرد، مساله دیگر محوریت نظام سلطه است؛ قرار است خاورمیانه جدید شکل بگیرد و اگر بخوایم انتظار موضع مستقل از عربستان سعودی و جریان وهابیت حاکم داشته باشیم طبیعی است که چنین چیزی خلاف واقعیت است؛ نکته دیگر اینکه تضعیف مقاومت به مثابه نخ تسبیحی است که بسیاری جزو این نخ تسبیح هستند، جریان مقاومت موضع رسمی داشت، نکته پایانی که محور کلیدی است به این مساله برمی‌گردد که می‌خواهند در این جریان‌ات ایران شیعی را محدودسازی کنند.

آلودگی هوا! چه کسی مقصر است؟

ملیحه زرین‌پور



■ کامیون و اتوبوس‌های مرگ آفرین

مطابق با بررسی‌ها ۷۵ درصد علت اینکه ذرات در سطح پایین آسمان تجمع پیدا می‌کنند به کامیون‌ها و اتوبوس‌ها برمی‌گردد. گازوییل مصرفی در ایران گوگرد دارد و اتوبوس‌هایی که در داخل شهرها تردد می‌کنند اکثراً سن بالایی دارند که آلوده‌کنندگان متحرک پایتخت هستند. امری که اگر قانون مصوب هوای پاک را در کشور اجرا می‌کرد شاید امروز هم وضعیت مان مطلوب نمی‌بود ولی قطعاً شرایط را برای روزهای آینده بهتر و بهتر می‌کرد. قانونی که اجرا نشدن و بر زمین ماندن به گفته ناظران، مقصران و مجرمانی دارد که بایستی در برابر کارهای نکرده‌ای که آسیب‌های جبران‌ناپذیر به کشور وارد کرده است، پاسخگو باشند. حالا امروز عامل آلودگی‌ها هر چه باشد و مقصر عدم اجرای قوانین مربوطه هر کسی باشد باید به دنبال علاج بود. از اسقاط خودروهای فرسوده تا جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سوخت‌های پاک و ایجاد کمربند سبز در همه شهرهای کشور از مهمترین راهکارهای علاج آلودگی هوا است که بایستی مسئولان امروز به جای پیدا کردن مقصرها خود به دنبال حل آن باشند.

گفته است: «خودروهای سواری ۱۳.۹ درصد از آلودگی‌های ذرات معلق زیر ۲.۵ میکرون را به وجود می‌آورند و موتورسیکلت‌ها در ۱۰.۱ آلوده‌های ۲.۵ میکرونی عامل آلودگی هوا سهم دارند» وی عنوان کرده است: «توبوس‌های شرکت واحد هم ۵.۷ درصد در آلوده ۲.۵ میکرون سهم دارند و نهایتاً کامیون‌ها سهمی در حدود ۱۵.۷ درصدی دارند.»

■ خودروهای فرسوده

خودروهای فرسوده هم نقش مهم و بالایی در آلودگی هوا دارند و مطابق گفته‌های مسئولان آمار دقیقی از خودروهای فرسوده در دست نیست، اما شاید صدها هزار خودرو فرسوده

در سطح شهر تهران تردد می‌کنند که هر کدام برابر چندین خودروی معمولی تولید آلودگی دارند. خودروهایی که قرار بود برای از رده خارج کردن و جایگزینی‌شان تسهیلات و امکانات در نظر گرفته شود، اما انگار این مهم هم در کنار خیلی دیگر از موضوعات مهمی که قرار بود برایشان تدبیری اساسی اندیشیده شود به دست فراموشی سپرده شده است. وارونگی هوا هم هر سال در فصل سرما دامن کلان شهرهای کشور را می‌گیرد و به اذعان کارشناسان امر دلیل آلودگی هوای پایتخت و بحرانی شدن وضعیت آن را باید در این رابطه جستجو کرد. چنانچه در فصل سرد تهران یک حالت لایه‌بندی و گلخانه‌ای به خود می‌گیرد. پایین آمدن آلودگی در سطح شهر، باعث احساس بیشتر آلودگی می‌شود. به جای اینکه آلودگی به حدود ۱۸ هزار متر برسد، در زمستان به هزار متر می‌رسد. این اتفاق هرآنچه که در پایین به عنوان گاز تولید می‌شود را در سطح خود نگه می‌دارد و بدتر آنکه وارونگی هوا مانع پخش شدن ذراتی که قابلیت پخش شدن دارند، می‌شود که بیشتر به آلودگی‌ها دامن می‌زند.

نفس‌ها باز هم به شماره افتاده است و آلودگی، اکثر کلان شهرهای کشور را دچار بحران کرده است. از اصفهان و اهواز تا مشهد و تهران و از شرق تا غرب کشور همه مدارس ابتدایی را در هفته‌ای که گذشت برای در معرض نبودن گروه‌های حساس مجازی کرده‌اند تا شاید کودکانمان با مشکل آلودگی و ریزگردهای نامیوم و عواقب خطرناک بعد از آن دست به گریبان نباشند. مشکلی که سال‌های سال است نفس‌های شهر را به شماره انداخته و راهکارهای بسیاری برایش سنجیده شده است، اما هنوز از تصویب تا اجرا و عمل راه بسیار است. مطابق با

آمارها هر ساله پنجاه هزار نفر به دلیل آلودگی هوا در ایران جان خود را از دست می‌دهند. آماری که ممکن است از نفس‌های به شماره افتاده تا سرطان‌های عجیب و غریب و از بیماری‌های خونی و دیگر بیماری‌های مرتبط را شامل شود. آلودگی هوا می‌تواند به دلیل وجود ذرات معلق گرد و غبار و گازهای ناشی از سوخت و ساز مازوت و بنزین و گازوئیل یا بدتر از آن ماشین‌های اسفاطلی که باید از رده خارج شوند، ایجاد شود. امری که چندی پیش تهران را صدر نشین آلوده‌ترین شهر دنیا کرد و از مشهد تا قم و اراک و اصفهان را به تعطیلی کشاند. آلودگی هوا از خطرات عمده محیط زیست است که در بروز و پیشرفت بسیاری از بیماری‌ها از جمله آسم، سرطان، بیماری‌های قلبی، آلزایمر و اختلالات روانی موثر است و می‌تواند جان بسیاری را به خطر انداخته و عامل مرگ‌های زودرس باشد. ذرات معلق گرد و غبار و ذرات سمی ناشی از سوخت‌های فسیلی در روزهای آلوده آمار بالای ماموریت‌های اورژانس برای بیماران زمینه‌ای عنوان شده است.

■ از مقصر تا مجرم

اما اینکه منشأ این آلودگی‌ها چیست و مجرم چه کسی است باید نگاهی به گزارشات کارشناسانه و بعد هم اطلاعیه یک نهاد دولتی بیاندازیم. رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل تهران

لزوم توجه به تنوع تاریخی و فرهنگی در تحلیل‌های سیاسی

برنامه «الفبای سیاست» رادیو گفت‌وگو با موضوع مبانی واحد سیاست، فردگرایی در سیاست با حضور دکتر امیر رضایی پناه پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه به روی آنتن رفت.

امیر رضایی پناه با اظهار به اینکه نسبت بین دو مفهوم فرد و جماعت تحت تأثیر فضای گفت‌وگویی و جایگاه آن‌ها در دوگانه هویت و قدرت قرار دارد، گفت: اگر از منظر ادیان ابراهیمی به یهودیت و اسلام نگاه کنیم، به نظر می‌رسد که جماعت به عنوان هویت جمعی و مرکزی که از منبع هدایت می‌شود، اصالت بیشتری دارد. اما در مقابل، با ظهور اندیشه‌های جدیدتر مانند فردگرایی و لیبرالیسم، اصالت به فرد داده می‌شود.

وی به تأثیر مکتب فرانکفورت و آثار پژوهشگران آن اشاره کرد که توجه به دوگانه ساختار و کارگزار را جدی‌تر کرده‌اند و افزود: انتقادات جماعت‌گرایان به لیبرالیسم نیز به این بحث تخصیص می‌یابد و در مناظرات جدیدتر، مبانی انضمامی تری مطرح می‌شود. این پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی تأکید کرد: بحران‌های اخلاقی در مدرنیته و پسامدرنیته ما را به بازاندیشی در مورد عنصر جماعت و نسبت آن با فرد و خیر عمومی و همگانی وادار کرده است. این بحث‌ها از یک خاستگاه گفت‌وگویی ناشی می‌شود که بر دوگانه هویت و قدرت تأکید دارد و رویکردهای مختلف نسبت به این دوگانه را شکل می‌دهد.

وی به بررسی خطرات ناشی از ارجاع یک‌بعدی به ارسطو و یونان باستان در تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی پرداخت و اشاره کرد: این رویکرد می‌تواند منجر به درک ناقص از اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی دیگر جوامع شود. نظرات جدیدی مانند نظریات مایکل مان در جامعه‌شناسی تاریخی این دیدگاه یک‌بعدی را به چالش کشیده است.

رضایی پناه به اهمیت بررسی خاستگاه‌های مختلف اندیشه‌های سیاسی اشاره کرد و با طرح این پرسش که در این تحلیل‌ها چه جایگاهی برای اندیشه‌های کنفوسیوس، ایرانشهری و دیگر تفکرات معاصر و پیشین وجود دارد، گفت: اگر روند شکل‌گیری مفاهیم

سیاسی تنها از یونان باستان آغاز شود، نه تنها درک کاملی از یونانی‌ها نخواهیم داشت، بلکه نمی‌توانیم دستاوردهای تمدن‌های دیگر را نیز در دانش سیاسی امروز درک کنیم.

وی با اشاره به کتاب ریشه‌های شرقی تمدن غربی اظهار کرد: این کتاب به این موضوع پرداخته و طرح جلد آن که دو کشتی را نشان می‌دهد، نمادی از ارتباط بین تمدن‌های غربی و اسلامی است. بنابراین توجه به تنوع تاریخی و فرهنگی در تحلیل‌های سیاسی لازم و ضروری است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه به چالش‌های حفظ فردیت در کنار ایجاد یک معیار مشترک برای واحد سیاسی پرداخت و اظهار کرد: در طول تاریخ، تفکراتی مانند فلوتین و روسو به ما الگوهایی برای این موضوع ارائه داده‌اند.

وی به تأثیر روسو بر مفهوم عدالت و فردیت در بستر اجتماعی اشاره کرد و گفت: روسو با بررسی وضعیت طبیعی انسان، به تحلیل خوبی و بدی در جامعه می‌پردازد. روسو به دعوت آکادمی علوم فرانسه پاسخ می‌دهد و نظر خود را درباره تأثیر فناوری بر خوشبختی بشر بیان می‌کند. این پاسخ، نشان‌دهنده نوعی تفکر متفاوت و نوآندیشی است که می‌تواند به درک بهتر از رابطه فرد و جامعه کمک کند.

رضایی پناه به تأثیرات و تحولات اجتماعی بر عدالت اشاره و تأکید کرد: این اندیشه‌ها می‌توانند به درک بهتری از فرد در جامعه کمک کنند

وی به بررسی مفهوم ناسیونالیسم و نسبت آن با حب الوطن پرداخت و بیان کرد: ناسیونالیسم به عنوان یک پدیده مدرن، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم ظهور کرده است. همچنین، نسبت‌یابی فرد و جماعت به عنوان یک امر جدید و متعددی مطرح می‌شود که از عصر روشنگری به بعد شکل گرفته است.

این پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی در رابطه با سلوک فرد در عرفان و مقامات عرفانی اظهار کرد: در این سیستم، فرد می‌تواند به مراحل مختلفی دست یابد.

وی به بنیادگرایی در مسیحیت و یهودیت اشاره و بیان کرد: این بنیادگرایی‌ها ناشی از برخورد با مفاهیم فرد و عصر روشنگری بوده

است.

رضایی پناه با اشاره به مفهوم فرد و تغییرات آن در طول زمان، به تأثیر گفت‌وگوها و ایدئولوژی‌ها بر این مفهوم پرداخت و گفت: برای درک بهتر فرد، باید به زمینه‌های گفت‌وگویی و مکاتب فکری مختلف توجه کرد. برای جستجوی مفهوم فرد، باید به شرایط و فضاهای اجتماعی توجه کرد.

وی به بررسی نسبت آزادی فردی و خیر عمومی پرداخت و بیان کرد: در اینجا، این سوال کلیدی مطرح است که مرز آزادی فردی کجاست و جستجوی خیر عمومی تا کجا ادامه دارد؟ انتقادات افلاطون و هگل در این حوزه به دلیل توجیه دیکتاتوری تحت عنوان خیر عمومی است.

این عضو هیئت علمی دانشگاه با اشاره به نظریه‌های فروید در مورد سوپر اگو و اگو عنوان کرد: آیا جامعه تنها حاصل جمع فرد است یا اینکه یک جوهر و روح جمعی فراتر از آن وجود دارد. این روح جمعی شامل ناخودآگاه جمعی، حافظه جمعی و تاریخ مشترک است که می‌تواند افراد را به هم مرتبط کند.

وی با اشاره به مثال‌هایی از تاریخ عنوان کرد: افراد در راستای خیر عمومی و به عنوان عضوی از یک جامعه عمل کرده‌اند، مانند افرادی که در صدر اسلام همزمان قاضی و جنگجو بودند.

رضایی پناه در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو متذکر شد: بسیاری از وقایع سیاسی ممکن است نمایانگر نقش آفرینی سوزه در سیاست نباشند.

وی در خصوص مفهوم فرد گفت: باید درک کنیم فرد به عنوان یک دال، مدلول و مصداق می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد و این نکته در تعریف فرد مهم است.

حاشیه‌نشینی در ایران، مسئله‌ای جدی و بحران‌ساز



الزاماتی که در نوع زندگی بوجود می‌آورد، از مقاومت زیادی برخوردار بوده و لذا بناچار باید سازکارها و استراتژی‌های پیچیده‌ای با توجه به تبیین‌های نظری و راه‌کارهای دست‌یافته علمی برای مواجهه با آن ترسیم شود؛

پنجم) وجود فرهنگ‌های خاص و رویکردهای مختلف در جامعه ایران، مانع از انطباق دقیق و طابق النعل بالنعل نظریه‌های موجود در زمینه شهرنشینی و حاشیه‌نشینی است؛ از این رو طرح نظریه و چشم‌اندازی متفاوت و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای که سعی دارد بر منطق دین و احکام و معارف اسلامی حرکت کند را برای حل آن می‌طلبد.

اسلام با محکوم کردن نابرابری‌های حاصل از وجود طبقات اجتماعی دارا و ندار و حاشیه و متن در امور اقتصادی، عواملی که موجب

پدیداری مسائل و آسیب‌هایی همچون حاشیه‌نشینی و امثال آن است را مطرود دانسته و برای حل یا عدم بروز آن در جامعه راه‌حل‌ها و راهبردهای مناسب دارد.

ششم) حل مسئله حاشیه‌نشینی به لحاظ پیچیدگی‌هایی که دارد و پیوندی‌هایی که با انواع مسائل اجتماعی دیگر برقرار می‌کند، امروزه امری صعب‌الوصول و دشواری‌یاب می‌باشد؛ لکن مسلم این است که کاهش تبعیض‌های ساختاری و ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی خواهد توانست به کاهش آن و کاهش آسیب‌های ناشی از آن کمک کند، زیرا نابرابری‌ها و عدم برخورداری مناطق و محله‌های محروم، از شاخص‌های اثرگذار در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهرها می‌باشد.

محرومان، ولی نعمتان انقلاب

تاریخ ایران به ویژه در عصر انقلاب اسلامی شاهد آن است که تهنی‌دستان شهری و حاشیه‌نشینان سهم بسیار بالا در انقلاب و به‌ویژه مشارکت جدی در رخدادهای اجتماعی پس از آن ایفا کرده‌اند. اصولاً این امکان که عمده بسیج‌های انقلابی از میان تهنی‌دستان جامعه حاصل می‌شد، بسیاری از ناظران را بر آن داشت تا فرض را بر آن بگذارند که این گروه‌ها مشارکت فعالی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و حفظ و تداوم آن دارند. این مشارکت‌ها به‌ویژه در هشت سال دفاع مقدس علیه کشور متجاوز و حراست و محافظت از مرزهای کشور، خود را به‌خوبی نشان داد. توصیف رهبران جامعه از انقلاب با عناوینی مانند انقلاب مستضعفان، انقلاب محرومان و امثال آن نیز، تأییدی بر این فرض و نقش اساسی آنان بود. امام خمینی(ره) بارها تأکید بر خدمت به محرومان داشتند و از آنان به عنوان ولی‌نعمت یاد می‌کردند و خواهان خدمت‌گزاری بیشتر به این قشر بوده و این خدمت را بالاترین عبادت می‌دانستند.

ایشان به‌طور مکرر انقلاب اسلامی را ثمره تلاش‌های این قشر محروم معرفی می‌کردند: «شما این انقلاب را به ثمر رساندید و

جامعه قلمداد شده و در شرایط فعلی از چالش‌های جدی نظام و مسئله‌های بحرانی شمرده می‌شود. سیاست‌های چند دهه اخیر نیز به دلایل پیچیدگی‌های ساختاری عملاً نتوانسته کارآمدی لازم را در حل آن داشته باشد و برنامه‌ها و سیاست‌های اجرا شده نشان می‌دهد تاکنون توفیق چندانی که منجر به پایداری و کنترل آن گردد به دست نیامده و متأسفانه روند فراینده این پدیده در شهرهای مختلف کشور به معنای ناکام ماندن برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که منطبق با ایده‌آل‌های انقلاب اسلامی پیش گرفته است.

در این راستا چندین نکته الزام‌آور وجود دارد که در مورد آن باید اقدام و تامل جدی شود:

یکم) این که جامعه نخبگانی و نظام حاکمیتی باید به شناخت عوامل و زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بروز حاشیه‌نشینی و راهبردهای برون‌رفت یا کاهش و پیشگیری از آن مبادرت ورزند و آسیب‌های اجتماعی ناشی از این پدیده و راه‌حل‌های مواجهه با آن را به ویژه در چشم‌انداز دینی تبیین نمایند. آنان لازم است برای ایجاد وضع مطلوب فضای جغرافیایی و

توزیع عادلانه منابع و سیاست‌گذاری‌ها در زمینه خدمات اجتماعی همت گمارند و راهکارهایی که به عنوان برنامه جامع زندگی برای کشور امروزه اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها توسعه‌ای در جوامع، به‌طور بی‌رویه به گسترش روزافزون پدیده نابسامان حاشیه‌نشینی و آسیب‌های ناشی از آن دامن زده است؛ به‌علاوه، این پدیده به لحاظ فیزیکی و روانی هم مانع رشد و پیشرفت جامعه بوده به‌طوری‌که ارزش‌ها و استانداردهای جامعه را عمیقاً مورد تهدید قرار داده و هم موجب بروز آسیب‌های مختلف از جمله اعتیاد و مفاسد اخلاقی و اجتماعی دیگر شده است. لذا این مسئله در کشور

ما در لبه رسیدن به یک بحران اجتماعی قرار دارد و شدیداً نیازمند تدبیر و سیاست‌گذاری واقع‌بینانه‌ای جهت برون‌رفت از آن می‌باشد. اما آنچه در اینجا بااهمیت‌تر جلوه می‌کند مسائل معیشتی و اقتصادی است که یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های آسیب اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی بوده که زمینه بروز تعدادی از آسیب‌های اجتماعی دیگر را می‌تواند فراهم سازد. در واقع رابطه معناداری میان عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی به ویژه عوامل اقتصادی از جمله فقر و نابرابری و آسیب‌های دیگر اجتماعی وجود دارد.

سوم) این که به دلیل تنوع ارزش‌ها، هنجارها و اختلاف خرده فرهنگ‌های واقع شده در حاشیه‌ها، ضمن اینکه کنترل آنها، به دلیل ایجاد راهکارهای مختلف رقابتی سهل نمی‌باشد، رسیدن به یک اتفاق نظر در چگونگی برخورد با آنها را ناممکن ساخته و یا به تأخیر می‌اندازد؛ از این‌رو تحلیل‌های علمی این مسئله نباید در یک مقطع راکد بماند بلکه پویاها و پژوهش‌های نوبه‌نو خواهد توانست ما را به واکنشی سازواره در مواجهه و کاستن از آسیب‌های آن آشنا سازد.

چهارم) این که حاشیه‌نشینی یک پدیده موقتی و زودگذر نیست؛ بلکه دارای دوره‌ای طولانی از دوام در جامعه می‌باشد و به دلیل

گروه‌هایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم بودند و همان‌هایی که مستضعف هستند و کاخ‌نشینها آن‌ها را استضعاف می‌کنند و این‌ها ثابت کردند که کاخ‌نشینها هستند که ضعیف‌اند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد» (صحیفه امام، ج ۱۴ ص ۲۶۱)

و در جای دیگر بیان می‌دارد: «تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌ضامت گردانندگان و برپاداران واقعی انقلاب هستند ما باید تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم... ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون خود دفاع خواهیم کرد» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۶). رهبر انقلاب نیز

با بهره‌گیری از منطق قرآنی و تئوریزه کردن مسئله استضعاف در مقابل استکبار، هدف انقلاب اسلامی را اسلام می‌داند که سربازان و لشکر آن، مستضعفان و پابرهنگان‌اند و اینان انقلاب را به پیروزی رسانده و جنگ طولانی هشت ساله را به نتیجه رساندند(مراسم نهمین سالگرد ارتحال امام خمینی ۱۳۷۷/۳/۱۴). بر این اساس ایشان مبارزه با استبداد، وابستگی، عقب‌ماندگی، فقر و تلاش برای بهسازی زندگی انسان‌ها و رفع فقر از زندگی فقرا و مستضعفان را اموری می‌داند که مورد رضای الهی است و خداوند متعال انسان‌ها را به آن امر کرده است(در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۳۷۵/۱۰/۱۹).

در واقع اقشار محروم جامعه، بنیان اجتماعی اصلی انقلاب را در شکل‌گیری و تداوم تشکیل می‌دادند و می‌توان قرابتی کارکردی و ساختاری میان این طبقه و اسلام سیاسی در دوران انقلاب اسلامی احساس کرد. لذا شاید نادیده‌گرفتن وضعیت اقشار محروم جامعه، به‌ویژه حاشیه‌نشینان که هرروزه وضعیت معیشتی‌شان به‌دلیل نابرابری‌ها اجتماعی تشدید می‌شود، ظلمی نابخشودنی به ملت و کشور و انقلاب اسلامی است و هرچه زودتر باید ظرفیت‌های کشور و نظام حکمرانی در به‌سامان نمودن این وضعیت متمرکز گردد.

سرگیجه‌بی پایان‌زنسکی

فخرالدین‌اسدی

رئیس‌جمهور اوکراین در پاره‌خطی که به دو نقطه "دیپلماسی" و "جنگ" ختم می‌شود، سردرگم باقی مانده است! ترامپ قرار است بیستم ژانویه رسماً در مسند قدرت قرار گیرد و این قطعا خبر خوبی برای زلنسکی محسوب نمی‌شود. اظهارات اخیر رئیس‌جمهور غرب‌گرای اوکراین نشان می‌دهد که او نه تنها در آینده‌نگاری صحنه جنگ، بلکه در درک و توصیف آنچه اخیراً در متن و فرامتن میدان جنگ می‌گذرد نیز عاجز و ناتوان مانده است. ولودیمیر زلنسکی می‌گوید که ارتش اوکراین به یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی جهان تبدیل شده است، ارتشی که با کمک میلیون‌ها یورو و دلار متحدان غربی و کمک‌های نظامی آنان قادر به ایستادگی در برابر ارتش روسیه بوده است. زلنسکی در عین حال مدعی شده که امیدوار است جنگ کشورش با روسیه در سال جدید ۲۰۲۵ میلادی با توسل به راه‌حل‌های دیپلماتیک به پایان برسد!

زلنسکی تا چه اندازه‌ای میدان‌دار است؟

نخستین سوالی که زلنسکی اساساً از پاسخدهی به آن طفره می‌رود، معطوف به قدرت تاثیر‌گذاری وی بر صحنه پایانی (پایان جنگ) در اوکراین است. بدون شک رئیس‌جمهور اوکراین در این معادله، کمترین محلی از اعراب ندارد! به عبارتی گویاتر، اساساً زلنسکی اختیار و حتی قدرتی حداقلی جهت ارائه طرح آتش بس یا تغییر در توافق پشت پرده صورت گرفته میان ترامپ و پوتین ندارد! حتی در این معادله، حامیان اروپایی زلنسکی در ناتو که وی را در خصوص تشدید حملات به عمق راهبردی خاک روسیه ترغیب می‌کنند، قدرت صیانت از کی‌یف را در صورت صدور فرمان آتش بس مطلق از آن سوی آتلانتیک (آمریکا) ندارند. در

اینجا، زلنسکی صرفاً باید نقش خود را به مثابه یک "فرمانی" درست ایفا کند و بس!

رئیس‌جمهور اوکراین از دیپلماسی و اصالت آن برای پایان دادن به جنگ سخن گفته است. در عین حال زلنسکی از جزئیات راه حل دیپلماتیک مد نظر خود در دستیابی به صلح و پایان دادن به جنگ با روسیه پرده برداشته و مشخص نکرده که برای نیل به این هدف کی‌یف حاضر به دادن چه امتیازاتی به مسکو است. روسیه می‌گوید پیش شرط آغاز مذاکرات برای دستیابی به آتش‌بس و صلح به رسمیت شناختن حاکمیت مسکو بر مناطقی از اوکراین از جمله دونتسک و شبه جزیره کریمه است که در تصرف خود دارد. روسیه، کریمه اوکراین را پس از برگزاری فراندومی در سال ۲۰۱۴ میلادی، ضمیمه خاک خود کرد. اوکراین هم می‌گوید پیش شرط کی‌یف برای دستیابی به صلح، عقب‌نشینی روسیه از مناطقی است که روس‌ها به اشغال خود درآورده‌اند. نکته اساسی اینکه پس از گذشت چند ماه از جنگ اوکراین، میز مذاکرات دیپلماتیک میان مسکو و کی‌یف در حال چینیش بود، اما آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه به زلنسکی دستور دادند به جای استمرار مذاکرات و رسیدن به راه حلی دوجانبه با مسکو، بر روی صحنه جنگ متمرکز شود! بنابراین، زلنسکی نمی‌تواند نقش خود را در برهم زدن روند مذاکره با روس‌ها نادیده انگارد!

کمک‌هایی که دیگر کفاف نمی‌دهد!

اوکراین در حالی که جنگ با روسیه وارد سومین سال خود می‌شود تقریباً ۱۲۰ میلیارد یورو کمک نظامی دریافت کرده است که بیشتر از طرف متحدان غربی کی‌یف بوده است. چهل و یک درصد

از این کمک‌ها را ایالات متحده آمریکا کرده است. آلمان، دانمارک، بریتانیا و هلند نیز جزو پنج کشوری هستند که بیشترین کمک مالی و نظامی را به کی‌یف کرده‌اند. زلنسکی می‌گوید که اوکراین در تولید تسلیحات از جمله موشک، پهپاد و نیز سیستم‌های جنگ الکترونیکی پیشرفت‌های شایانی داشته است. با این حال، ترامپ قصد ندارد این کمک‌ها را ادامه دهد و فراتر از آن، تزریق و پمپاژ میلیاردها دلار پول از سوی غرب به کی‌یف، نتوانسته منجر به تغییر موازنه نبرد در منطقه دونباس (منطقه اصلی محل منازعه روسیه و اوکراین) شود. خرسون، ژاپورژیا، دونتسک و لوهانسک جملگی تبدیل به نقاط مهم در معادله آتش بس شده‌اند.

جملات قابل تامل زلنسکی

زلنسکی می‌گوید که بدنبال پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا، گفتگوی تلفنی‌اش با رئیس‌جمهوری منتخب «سازنده» بوده است و مطمئن است که با ورود ترامپ به کاخ سفید در ماه ژانویه جنگ «زودتر» پایان خواهد یافت. با این حال، اخیراً رئیس‌جمهور اوکراین نتوانسته خشم خود را از ترامپ و همراهان وی در حزب جمهوریخواه کنترل کند! او (زلنسکی) در تازه‌ترین مواضع خود به مقامات آمریکایی هشدار داده که یک جنگ سه ساله نمی‌تواند با نشستن بر سر میز مذاکره و امضای یک قرارداد (قراردادی که کی‌یف نیز در تنظیم آن نقشی ندارد) پایان یابد. منظور زلنسکی، آن است که ترامپ از وی خواسته در ازای الحاق بخشی از خاک کشورش به روسیه، جنگ را پایان دهد. این همان ایده و گزاره‌ای بود که هنری کسینجر استراتژیست مشهور آمریکایی قبل از مرگ، بر روی آن تاکید کرده بود. کسینجر نیز

معتقد بود اوکراین باید بخشی از خاک خود را به روس‌ها داده و در ازای آن، از روسیه بخواهد به جنگ پایان دهد. با این حال، دولت بایدن اساساً اعتقادی به این استراتژی نداشت و مداخله‌گرایی حداکثری در محیط پیرامونی روسیه را با هیچ گزینه دیگری (از جمله حل دیپلماتیک منازعه اوکراین) جایگزین نکرد!

این بازی به نفع زلنسکی نیست!

ترامپ مدتهاست که منتقد کمک‌های نظامی آمریکا به اوکراین بوده است. رویکرد او در قبال جنگ اوکراین سؤالاتی بنیادین را مطرح کرده است، از جمله این که آیا حمایت واشنگتن از کی‌یف پس از آغاز ریاست جمهوری ترامپ همچنان به قوت خود باقی خواهد بود و ادامه خواهد داشت یا خیر. رویکرد هفته‌های اخیر ترامپ نشان می‌دهد پاسخ این سوال هر چه باشد، به سود منافع اوکراین و زلنسکی نیست. ایالات متحده آمریکا بزرگترین تامین کننده تسلیحات اوکراین است. به گزارش «موسسه اقتصاد جهانی کیل» واشنگتن تا پایان ماه ژوئن گذشته، بسته‌های نظامی به ارزش بیش از ۵۵ میلیارد دلار را یا به کی‌یف تحویل داده یا متعهد به تحویل و پرداخت آن شده است. دونالد ترامپ بارها در کمپین‌های انتخاباتی خود، بدون پرداختن به جزئیات و چگونگی طرح خود، بارها گفته بود که «در عرض یک روز» به جنگ اوکراین پایان خواهد داد. منظور وی نیز از پایان دادن یک‌روزه به جنگ نیز مشخص است! در این معادله، زلنسکی قطعاً نقشی به جز یک امضا کننده پیمان نهایی آتش بس نخواهد داشت. رئیس‌جمهور اوکراین دقیقاً زمانی شکست خورد که تصمیم گرفت به عنوان مهره بازی ناتو وارد معادلات حوزه روابط بین‌الملل شود و به زمین جنگ غرب و روسیه تبدیل شود...

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

بخش‌ششم

بگیرد. مسئله موازنه را در نظام سوریه فراموش مکنید. نظام‌های ضعیف نمی‌توانند سیاست یکسانی اتخاذ کنند و مجبور اند یکی به نعل بزنند و یکی به میخ و حسب شرایط تغییر و تحولاتی در دیدگاه‌ها و سیاست‌هایشان داشته باشند.

در نهایت خانواده خود اسد هستند. در این خانواده چه؟ شما گفتید همه‌شان یکدست پیرو پدر هستند و نسبت به مقاومت سیاست مجزایی ندارند. پسران مختلف و دامادها و...

نه، تقریباً نگاهشان یکی است. آقای باسل معروف است که توسط همین حرس قدیم کشته شد. وی در یک سانحه رانندگی در جاده فرودگاه کشته شد و تقریباً نقل قول امنیتی گفته می‌شود که به دست حرس قدیم کشته شد که جانشین آقای حافظ اسد نشود. و به نظر می‌آید در یک جایی در یک مصاحبه‌ای کسی برای من نقل می‌کرد که خود آقای حافظ اسد به ایشان گفته بود من می‌دانم که کار، کار اینهاست. به هر حال در کنار زدن ایشان، آقای حافظ اسد انسان بسیار صبور و باهوشی بود. می‌دانست اگر بخواهد علیه‌شان کار چکنشی بکند نمی‌گیرد. از این‌رو به مرور شروع کرد به تضعیف ایشان؛ یعنی زمین‌ه را فراهم کرد. به تدریج آقای بشار اسد هم تقریباً ایشان را از ساختار حذف می‌کند. اگرچه آن اندیشه و دیدگاه همچنان در بین برخی از افراد در ساختار سیاسی هنوز موجود است.

بشار تفاوت نگاهش با پدر شاید متأثر از شرایط سیاسی و بعضاً روحیه غیرمحافظة کارانه خودش بود که در هنگام روی کار آمدن جوان بود نسبت به پدر پیر محافظه‌کاری که به هر حال تلاش می‌کرد همه طرف‌ها را در عین حال راضی نگه دارد. نگاهش بسیار استراتژیک‌تر از پدرش بود و تجربه نشان داد که نگاهش بسیار استراتژیک و عمیق‌تر از پدرش است.

تفاوت جمهوری اسلامی با نظام بعث

بعثم را جمع‌بندی کنیم که مشخص شود نسبت نظام سوریه به ایران با توجه به این تفاوت‌ها چیست. واقعیت این است که بین نظام ایران انقلابی و سوریه بعثی اشتراک‌هایی وجود داشت. آن اشتراکات بیشتر از اینکه اعتقادی و ایدئولوژیک و فکری باشد، متأثر از عوامل محیطی بود. یعنی نیاز و اضطرار طرفین به هم به دلیل همان عوامل محیطی که عرض کردم: عراق، اسرائیل، مسائل اقتصادی، مسئله انزوای سوریه و مسئله انزوای ایران. سه عاملی که برای ایران ذکر کردم و سه عاملی که برای سوریه. اختلاف‌نظرها و تمایزها بین این دو وجود داشت. آن اشتراک منجر به این می‌شد که روابطشان گرم و صمیمی شود و آن اختلافات منجر به این می‌شد که هیچگاه به سمت روابط راهبردی پیش نروند. این اختلافات چه بود؟

اول اینکه نظام سوریه و نظام ایران دو نظام ناهمگن هستند در آن چهار مؤلفه‌ای که یک جا عرض کردم. دوباره تکرار می‌کنم. نخست اینکه نظام ایران نظام اسلام‌گراست و نظام سوریه نظام سکولار است. کاملاً متفاوت هستند. از قانون اساسی بگیرد تا همه چیز با هم تضاد و تناقض دارند و با هم قابل جمع نیستند. دو دیگر؛ مسئله قومیت در برابر امت‌گرایی اسلامی است. یعنی

عملگرا هستند و هم مجبور اند به این لایه توجه کنند. همچنین نمی‌توانند از محیط عربی خود کاملاً جدا شوند.

بنابراین، اسدها سیاست قبض و بسط در قبال ایران دارند؛ یعنی در جایی همراهی می‌کنند و در جایی مقابل ایران محکم می‌ایستند و سفت می‌گیرند. مثلاً در جنگ به ما کمک می‌کنند، قطعات می‌دهند و آموزش می‌دهند، ولی ذیل باینه‌های شورای همکاری خلیج فارس را هم بعضاً امضا می‌کنند که بخشی از آن مربوط به فضای جنگ بوده‌است. راه ایران را به لبنان باز می‌کنند، ولی خواهان شکل‌گیری مقاومت اسلام‌گرای انقلابی نیستند، به دنبال مقاومت تمام‌عیار با هدف زوال اسرائیل نیستند (نه اینکه قلباً موافق زوال اسرائیل نباشند، از آنجاکه این را ممکن نمی‌بینند با آن همراهی نمی‌کنند)، بلکه می‌خواهند اسرائیل را از لبنان و جولان بیرون کنند و فعلاً اسرائیل را مشغول به خود کنند. با آمریکا مشکل اساسی دارند، ولی در لشکر کشی به عراق در سال ۱۹۹۱ مشارکت و نقش آفرینی می‌کنند. برخلاف ایران که با حمله آمریکا به عراق مخالفت کرد، اینجا اختلافی بین ایران و سوریه شد. ایران همراهی نکرد و با حمله آمریکا به عراق مخالفت کرد. عراق صدام حسین با ما جنگیده‌بود، اما ایران سیاستی اصولی در مقابل این ماجرا اتخاذ کرد و گفت لشکر کشی خارجی به منطقه خطری است که همه را تهدید می‌کند. ولی سوریه‌ها وارد شدند و یکی دو تیپ و لشکر خود را همراه آمریکا به حمله نظامی به عراق فرستادند.

بعثی‌ها دشمن اسرائیل اند، اما مذاکرات صلح را با اسرائیل و آمریکا دنبال می‌کنند. چون می‌دانند اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها وفادار نیستند، همه تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد مذاکره و تفاهم نمی‌گذارند و هم‌زمان به پروژه مقاومت هم بها می‌دهند.

این لایه در دوران بشار اسد به اکثریت می‌رسد.

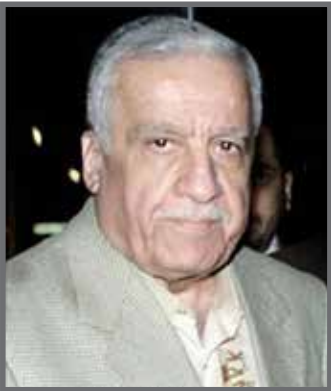
— سوریه‌ای که تا روز قبلیش در بلوک شرق بود و همه‌شان در مسکو درس خوانده‌بودند و رفت‌وآمد داشته‌اند، یک سال بعد به لشکر کشی آمریکا به خلیج فارس و عراق می‌پیوندند و حضور نظامی دارد؟

بله، شوروی فروپاشیده‌بود و چند ماه بعد حمله آمریکا به عراق رخ داد. شوروی درگیر مسائل خودش بود و بلوک شرق معنای خود را از دست داده‌بود. فضای حمله عراق به کویت بسیار سنگین بود، در منطقه ما، به ۱۱ سپتامبر در جهان می‌مانست. هر کسی که با آمریکایی‌ها همراهی نمی‌کرد، به معنای تأیید صدام بود. بنابراین، حافظ اسد وارد شد و علیه صدام اقدام کرد.

— متوجه هستیم. آیا این به معنای تغییر نسبت‌شان با آمریکا است؟ یعنی به نوعی نزدیک شدن به آمریکا؟

کاملاً طبیعی است. شما با جهانی تک‌قطبی مواجه‌اید که آمریکا کدخدا و ابرقدرت شده است. سوریه احساس می‌کند که حمایت و پشتیبانی قبلی‌ای را که در مذاکرات از طرف بلوک شرق می‌توانست تأمین کند از دست داده و تلاش می‌کند از طریق نزدیک شدن به آمریکا، در مذاکرات با اسرائیل و آمریکا امتیازاتی

استراتژیک‌ترین فرد در این میان خود آقای محمد ناصیف (ابووائل) است که نقش بسیار قوی دارد و پل ارتباطی اصلی میان ایران و آقای حافظ اسد و بشار اسد است.





بی توجهی قوای سه گانه به

سیاست‌های کلی و بیانیه گام دوم

کریم - افقه

کریم در مصاحبه با برنامه صبح و گفت‌وگو رادیو گفت‌وگو با اشاره به اینکه ایجاد ناامیدی در محافل پژوهشی و امور اقتصادی درست نیست، تصریح کرد: این مسئله کمکی به جامعه نخواهد کرد.

ما بر اساس ایجاد امید و وحدت و بصیرت، باید حرکت کنیم و از طرفی باید بپذیریم در مقایسه با برخی کشورها نظیر هند و ترکیه، پیشرفت خوبی را شاهد نبودیم.

وی با اشاره به در اختیار داشتن سند ۱۴۰۴ گفت: متأسفانه قوای سه‌گانه نسبت به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانیه گام دوم، کم‌توجه بوده‌اند.

قوه مجریه در اجرای قوانین و سیاست‌ها به خوبی عمل نکرده؛ خاصه در حوزه برنامه‌بودجه چراکه بودجه هزینه می‌شود؛ ولی فاقد برنامه مناسبی هستیم تا از پیچ سخت اقتصادی عبور کنیم و دلیل هم کم‌توجهی به اصول و اسناد بالادستی است.

کریم خاطر نشان کرد: اگر این سیاست‌های بالادستی مورد توجه مجلس برای قانون‌گذاری قرار می‌گرفت و دولت هم آن را مطالبه می‌کرد، بسیاری مشکلات امروز وجود نداشت.

وی افزود: ما فقط در حوزه اقتصادی، خلق حماسه نمی‌کنیم؛ چون رانت‌خواران خانوادگی در اقتصاد نفوذ دارند و جایی برای مردمی شدن اقتصاد نمی‌گذارند.

کریم با بیان اینکه ناترازی در حوزه انرژی و ارز موجب شده بسیاری افراد برخوردار در جامعه با ریل معامله نکنند و به سمت ارز بروند و این بی‌اعتمادی به پول ملی باعث تأسف است، گفت: این مسائل منجر به ناترازی و نوسانات و بی‌عدالتی می‌شود.

■ مخالفت با آزادسازی نرخ ارز

در ادامه مرتضی افقه، کارشناس مسائل اقتصادی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با انتقاد از شعاری شدن برخی صحبت‌ها، اسناد بالادستی را یک شرط مهم برای اجرای امور دانست و افزود: در بخش اجرا مشکلات بسیاری داریم.

وی افزود: باید وابستگی به درآمدهای نفتی کاهش می‌یافت ولی نتوانستند یا نخواستند و لذا این وابستگی باقی ماند!

امروز هر اتفاقی بر تجارت خارجی و فروش نفت تأثیر بگذارد، بر تک‌تک شاخص‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

افقه با اشاره به تحریم‌های بسیار و روی کار آمدن دوباره بانی تحریم‌ها گفت: باید سیاست خارجی فعالی داشته باشیم؛ دولت هم باید در داخل اقداماتی انجام دهد.

وی ضمن مخالفت با آزادسازی ارز از سوی دولت گفت: شرایط باید مثل دوره جنگ غیرعادی تلقی شده و سیاست‌هایی خاص و ویژه اعمال شود تا افشار آسیب‌پذیر لطمات بیشتری نبیند.

امروز و در شرایط فعلی نمی‌توان از سیاست‌های اقتصاد آزاد پشتیبانی کرد. برخی اقتصاد خوانده‌ها نیز مرتب به دولت فشار می‌آورند؛ ولی این رویه مختص شرایط عادی کشور است.

تغییرات دوران سازتجارت جهانی

انجام تنها ۵ درصد از تجارت خارجی ایران در بستر موافقتنامه‌های تجاری

میرهادی سیدی

مطابق آمار ارائه شده توسط سازمان تجارت جهانی بیش از ۵۰ درصد از تجارت جهانی تحت پوشش موافقتنامه‌های تجاری انجام می‌شود. با وجود این، ایران تاکنون به تعاملات عمیق و وسیع مبتنی بر توافق‌های تجاری دست نیافته است. موافقتنامه‌ها با کاهش تعرفه‌ها، زمینه افزایش تعامل تجاری با کشورهای مختلف را بیشتر می‌کند. میرهادی سیدی، مشاور امور بین الملل و توافق‌های تجاری سازمان توسعه تجارت، در گفتگو با مسیر اقتصاد گفت: وضعیت موافقتنامه‌های تجاری در ایران مناسب نیست و تنها حدود ۵ درصد از تجارت خارجی ایران در بستر موافقتنامه‌های تجاری انجام می‌شود.



WTO را داده است تا از این طریق بستر هماهنگ برای همکاری بین المللی را بدست آورد. اما سال‌هاست که عضویت ایران در WTO مسکوت مانده و اتفاق مثبتی در این زمینه رخ نداده است. با وجود این، به عنوان یک راهکار جایگزین، می‌توان با توافقنامه‌های تجاری دو و چند جانبه با شرکای تجاری هدف، از این بستر حقوقی برای توسعه تجارت کشور و بهبود سازوکارها و استانداردهای تجاری کمک گرفت.

■ تغییرات دوران ساز تجارت جهانی

سیدی ضمن اشاره به دو عامل «پایان جنگ سرد» و «پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و حمل و نقل» بیان کرد: در گذشته سعی می‌شد صفر تا صد یک محصول در یک کشور یا حتی در یک کارخانه تولید شود. پس از تغییرات در عرصه تجارت، نتیجه‌ای حاصل شد که به جای تولید کامل یک محصول در یک کشور، کالاهای واسطه ای از دیگر کشورها خریداری شوند. این امر در اغلب موارد موجب کاهش هزینه‌ها و بهره‌وری بیشتر در فرآیند تولید شده است. به همین دلیل نیز عملاً اندیشه‌ای نو به وجود آمد. در جهان کنونی و با وجود گسترش زنجیره‌های ارزش، محصولات تولیدی فعلی تنها ساخت یک کشور نبوده و ساخت جهان هستند.

وی اظهار داشت: با توجه به درهم تنیدگی تولید و تجارت، در واقع قواعد تجارت بین‌الملل به صورتی هماهنگ و استاندارد شده، وظیفه تسهیل در تجارت و همگرایی اقتصادی و تجاری را بر عهده دارد و کشورها را به رعایت این قواعد ترغیب یا اجبار می‌کند. در همین راستا موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) و سازمان جهانی تجارت (WTO) شکل گرفته است.

سیدی افزود: هر چه قواعد و استانداردهای تجاری کشورها از قواعد و استانداردهای پذیرفته‌شده توسط سایر کشورها متفاوت باشد، به طور طبیعی آن کشور با چالش‌ها و احیاناً افزایش هزینه در تجارت خارجی خود مواجه خواهد شد. علاوه بر این عدم حضور مؤثر در زنجیره ارزش جهانی و منطقه‌ای و دشواری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌تواند از جمله نتایج این مسئله باشد.

■ راهکار توسعه تعامل ایران با ساز کارهای تجارت خارجی

سیدی در ادامه گفتگوی خود بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران نزدیک به ۲۸ سال است که درخواست پیوستن به

■ موانع انعقاد موافقتنامه‌های تجارت خارجی ایران

سیدی عنوان داشت: موانع بسیاری در عدم بهره‌برداری ایران از بستر موافقتنامه‌های تجاری موثر هستند. یک مانع، رویکرد غالب مسئولان کشور به مقوله تجارت است؛ به این ترتیب که تجارت را صرفاً صادرات می‌دانند. در حالی که تجارت جهانی یک مسیر دو طرفه است، نمی‌توان با واردات مخالفت کرد و فقط تمایل به افزایش صادرات به کشورهای دیگر داشت. با این رویکرد نمی‌توان با کشورها موافقتنامه تجاری منعقد کرد. این رویکرد به‌ویژه در هنگام تدوین فهرست امتیازات تعرفه‌ای پیشنهادی برای تجارت ترجیحی یا آزاد در ایران مشاهده می‌شود.

وی افزود: یکی دیگر از موانع، تفاوت بسیار در قوانین و مقررات تجاری ایران و کشورهای هدف است. این تفاوت‌های حقوقی و عدم تطابق قوانین ایران با قوانین و مقررات تجاری سایر کشورها در فرایند تجارت بین الملل هزینه زاست. این عامل در واقع هم برای تجار ایرانی و هم تجار خارجی بسیار آسیب‌زا است و باعث افزایش هزینه‌های تجارت خارجی با ایران می‌شود. برای تسهیل تجارت با جهان باید این هزینه را از بین برد.

وی در پایان ذکر کرد: برای رفع این چالش‌ها، در مرحله اول به تغییر رویکرد مسئولان کشور نسبت به تجارت خارجی نیاز است. در مرحله دوم باید عواملی که سبب تأخیر در انعقاد و تصویب موافقتنامه‌های تجاری در کشور می‌شود را شناسایی و رفع کرد. (مسیر اقتصاد)



پیشگامی چین در فناوری‌های کشاورزی در مواجهه با چالش‌های آب و هوایی

چین با سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه علمی و تقویت همکاری‌های جنوب، می‌تواند پیشرو سایر کشورها در عرصه تولید محصولات کشاورزی باشد. به گونه‌ای که امنیت غذایی خود و جهان تقویت شود.

تغییرات آب و هوایی، سیستم‌های کشاورزی را در سراسر جهان تضعیف کرده است. چین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان محصولات زراعی از این موضوع بی‌تأثیر نمانده است. طوفان، خشکسالی، سیل و موج گرمایی که امسال در این کشور اتفاق افتاد و افزایش قیمت مواد غذایی را به همراه داشت، گواهی بر این ادعا است.

به همین دلیل، امسال چین میزبان کنفرانس جهانی نوآوری در محصولات کشاورزی با حضور رهبران، اندیشمندان و کارآفرینان این حوزه از سراسر جهان بود تا با شیوه‌های نوین کشت محصول، بر امنیت غذایی متمرکز شوند. این رویداد نه تنها فرصتی برای معرفی نوآوری در کشاورزی چین بود، بلکه زمینه مشارکت جهانی در ساخت سیستم‌های غذایی مقاوم در برابر آب و هوا را به نمایش گذاشت.

■ تأثیر کاهش تولید محصولات کشاورزی در آفریقا بر اقتصاد چین

چالش‌های آب و هوایی در آفریقا، که ۶۰ درصد از زمین‌های قابل کشت جهان را در خود جای داده، همواره در دسرها آفرین بوده و خشکسالی شدید، تخریب خاک و تنش‌های شدید آب و هوایی، به طور فزاینده‌ای کشاورزی این قاره را در معرض خطر قرار داده است.

تا سال ۲۰۳۰، حدود ۱۱۸ میلیون نفر از مردم آفریقا در معرض خشکسالی، سیل و گرمای شدید قرار خواهند گرفت. این موضوع نه تنها به تهدیدی جدی برای امنیت غذایی آفریقا بدل می‌شود، بلکه بازارهای جهانی از جمله چین که بخش قابل توجهی از مواد غذایی مورد نیاز خود را از خارج وارد می‌کند، متأثر خواهند شد.

■ مسیر موفقیت چین در رونق کشاورزی

تجربه چین در نوسازی و افزایش بهره‌وری کشاورزی قابل توجه است. چین با دگرگونی بخش کشاورزی و ایجاد بزرگ‌ترین شبکه جهانی نوآوری، موقعیت مناسبی برای کمک به سایر کشورها در توسعه سیستم‌های غذایی انعطاف پذیر و سازگار با آب و هوا به وجود آورده است.

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، مدرن‌سازی زیرساخت‌های روستایی و پذیرش فناوری‌های هوشمند آب و هوایی و مشارکت با نهادهای تحقیقاتی بین‌المللی مانند CGIAR نیز به این تحول کمک کرده است.

این همکاری به پیشرفت‌های عمده کشاورزی مانند کاهش خاک‌ورزی و بهبود منابع ژنتیکی، به‌ویژه در تولید گندم و ذرت منجر شده است. این بهبود نه تنها میزان تولید را افزایش داده، بلکه مقاومت محصولات در برابر بیماری‌ها را نیز بهبود بخشیده است. (منبع: چاپنا دیلی)

راهبرد آمریکا برای ایجاد منطقه آزاد تجاری در خلیج فارس

محمد محسن نجفیان

دو کشور اجازه دریافت تعرفه و عوارض گمرکی فراتر از لیست ضمیمه شده را ندارند.

با اجرایی شدن این موافقتنامه، ۸۷ درصد عوارض گمرکی محصولات کشاورزی صادراتی آمریکا به عمان و ۱۰۰ درصد عوارض گمرکی محصولات صنعتی و مصرفی دو کشور حذف شده است. آمریکا در تلاش است با موافقتنامه تجارت آزاد با عمان و چند کشور دیگر در خلیج فارس منطقه تجاری آزاد در خلیج فارس تشکیل دهد.

■ پیگیری و به‌روزرسانی موافقتنامه متناسب با نیازهای جدید

در حال حاضر نیز بر اساس این موافقتنامه، شورای بازرگانی عمان و آمریکا با تمرکز بر توسعه استفاده از بستر تجارت آزاد بین دو کشور اقدام به تسهیل ارتباط بازرگانان دو کشور و افزایش آگاهی نسبت به مفاد و ظرفیت‌های این موافقتنامه می‌کنند.

بدین ترتیب دو کشور با امضای تفاهم‌نامه‌های جدید در موضوعاتی که مورد علاقه دو طرف باشد، اقدام به تعریف زمینه‌های همکاری‌های جدید می‌کنند.

در همین راستا نخستین برنامه تجاری در واشنگتن در سال ۲۰۲۴ با هدف تقویت فعالیت‌های تجاری و چگونگی سرمایه‌گذاری بین دو کشور برگزار شد. در این نشست که ذیل موافقتنامه تجارت آزاد برگزار شد، عوامل تسهیل‌کننده برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دو کشور مورد بررسی قرار گرفت.



■ رقابت اقتصادی با چین؛ عامل تجارت آزاد آمریکا با عمان

تفاهم‌نامه‌های امضاء شده میان آمریکا و عمان تحت عنوان برنامه آگاهی و آموزشی با تمرکز بر تجارت آزاد بین دو کشور، اقدامی برای افزایش توان رقابت آمریکا با چین در غرب آسیا قلمداد می‌شود. این رقابت زمانی برای آمریکا حساس‌تر شده که اخیراً چین با امضای قراردادی با کشور کویت سعی دارد از موقعیت منطقه‌ای کویت در خلیج فارس استفاده کند.

سیر هدفمند انعقاد موافقتنامه‌های تجاری، تقابل اقتصادی پکن با واشنگتن را در جنوب خلیج فارس افزایش می‌دهد؛ همچنانی که آمریکا با تمرکز بر کشورهای هم‌چون امارات، عربستان و بحرین، سعی در افزایش نفوذ در منطقه خلیج فارس دارد، چین سعی می‌کند با افزایش همکاری با کشورهای هم‌چون کویت، قطر و عمان بستر را برای گسترش و تعمیق مناسبات اقتصادی توسعه دهد.

امیدوارم با جایزه ادبی جلال آل احمد زمینه‌های دریافت سهم ایران از نوبل ادبی فراهم شود

مسعود کوثری



را انتخاب می‌کند. داوران نیز در گروه‌های سه نفره آثار را داوری خواهند کرد تا جایزه به سرمنزل مقصود خود برسد.

نویسنده کتاب «درآمدی بر موسیقی مردم‌پسند» ادامه داد: در هر دوره‌ای با توجه به تجربیات قبلی نکاتی توسط این شورا یا هیات علمی مبنی بر چگونگی انتخاب بهترین داوران و یا معرفی بهتر جایزه مطرح می‌شود. در این دوره نیز نکاتی توسط شورای علمی مطرح و بر اساس آن داوران بخش‌های چهارگانه جایزه را با رای گیری انتخاب شدند؛ داورانی که چه در داخل و چه در خارج از دانشگاه، چهره‌های شناخته شده‌ای هستند و آثار علمی قابل توجهی دارند. داوران اکنون کار خود را شروع کرده‌اند و به زودی به دور دوم داوری و از آنجا به مرحله نهایی وارد خواهیم شد.

کوثری در ادامه با اشاره به این نکته که حساسیت‌های زیادی روی جایزه ادبی جلال آل احمد وجود دارد، گفت: طبیعتاً نویسندگان و به طور کلی اهالی فرهنگ چشم به این جایزه دارند و امیدوارم امسال شاهد یک داوری خوب و منصفانه باشند که البته این به کیفیت آثار تولید شده هم بستگی دارد. باید دید که در عمل و در جریان داوری چه آثاری توان و کیفیت لازم را برای انتخاب شدن به عنوان برگزیده یا شایسته تقدیر دارند و یقین دارم با حسن نظری که در هیات علمی و هیات داوران این دوره از جایزه وجود دارد، آثار خوبی منتخب خواهند شد. امیدوارم این قدم کوچکی باشد برای معرفی نویسندگانی که شایسته تجلیل و تکریم هستند.

این تصمیم را باید نهادهای بالادستی این جایزه یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و اسلامی بگیرند که تمایلی به گسترده کردن این جایزه دارند یا خیر؟ آثار غیر از ادبیات دیگر کشورها تاحدودی در جایزه جهانی کتاب سال تحت پوشش قرار می‌گیرد، اما در زمینه ادبیات هنوز تصمیمی گرفته نشده است. همه ساله شاهد هستیم که آثار خوبی در اطراف ایران به زبان فارسی تولید و منتشر می‌شود، اما هنوز بخش آثار دیگر کشورها در این جایزه گنجانده نشده است و امیدوارم که اگر توافقی در این زمینه وجود آمد، این آثار نیز پذیرفته شوند و در سال‌های آتی شاهد مشارکت بیشتر در جایزه جلال آل احمد باشیم.

دبیر علمی هفدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این نکته که سالیانه تعداد زیادی رمان در ایران منتشر می‌شود، گفت: بازار کتاب ایران شرایط خاص خود را دارد و این شرایط با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. این بازار در شرایط فعلی به دلیل مشکلات اقتصادی، قیمت کاغذ، پایین آمدن شمارگان و بسیاری از مسائل دیگر دچار تلاطم‌های زیادی شده و به همین دلیل بیشتر از رمان‌های ایرانی، رمان‌های خارجی وجود دارد و بر این اساس ذائقه ایرانی ممکن است به چیزهای دیگری تمایل پیدا کند. این نکاتی است که باید به آن توجه کرد.

■ ایجاد شرایط منصفانه داوری در جایزه ادبی جلال آل احمد

دبیر علمی هفدهمین جایزه ادبی جلال آل احمد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش هیات علمی این جایزه گفت: هیات علمی این جایزه که توسط خانه کتاب و ادبیات ایران و معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب می‌شوند و از وزیر حکم می‌گیرند، سعی می‌کنند با انتخاب داورانی برجسته شرایط منصفانه‌ای را برای رقابت و داوری آثار به وجود بیاورند تا بهترین آثار انتخاب شوند. هیات علمی ترکیبی است از نمایندگان گروه‌های سنی و سلیقه و سبک‌های مختلف و البته این هیات نقشی در داوری‌ها ندارد و فقط داوران

مسعود کوثری به روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران گفت: اساس جایزه ادبی جلال آل احمد بر چهار حوزه اصلی قرار دارد؛ نخست حوزه رمان و داستان بلند، دوم داستان کوتاه، سوم نقد ادبی و چهارم مستند نگاری. هر کدام از این حوزه‌ها به نحوی الهام گرفته شده از کار جلال آل احمد است، اما طبیعتاً داشتن این حوزه‌ها به معنای پیروی از آل احمد نیست. وی افزود: این چهار حوزه با الهام و تاسی از جنبه‌های مختلف کاری آل احمد طراحی و نامگذاری شده‌اند و هر کدام از این جنبه‌ها به تنهایی می‌توانند یک جایزه مستقل هم باشند. کما اینکه طی این سال‌ها بحث‌هایی درباره مستقل شدن بخش مستندنگاری و نقد ادبی شده بود. با این اوصاف فعلاً این چهار حوزه ذیل جایزه جلال آل احمد که مهمترین جایزه ادبی کشور است، تعریف شده‌اند.

کوثری ادامه داد: امسال حدود ۲۶۰۰ اثر در دبیرخانه جایزه گردآوری شده که از این تعداد سهم کوچکتر و کمترش مربوط به نقد ادبی و داستان کوتاه است و بیشترین سهم از نظر کمی را دو حوزه «رمان و داستان بلند» و «مستندنگاری» از آن خود کرده‌اند. اگر بخواهیم قیاس کنیم، تقریباً در دو حوزه «رمان و داستان بلند» و «مستند نگاری» دوبرابر حوزه‌های «نقد ادبی» و «داستان کوتاه» اثر به دبیرخانه ارسال شده است.

این عضو هیات علمی دانشگاه تهران درباره اهداف جایزه ادبی جلال آل احمد گفت: نکته مهم مورد توجه این جایزه طی سال‌های برگزاری تقویت وجه ادبی، نویسندگی و شناسایی نیرو، توان و تعهد نویسندگان است تا شاید زمینه‌های پیدا کردن و دریافت سهم ایران در نوبل جهانی ادبیات فراهم شود. با اینکه هم اشتیاق به نوشتن در ایران زیاد است و هم در اقلیم‌ها و نواحی متفاوت ایران پتانسیل‌های زیادی برای نوشتن وجود دارد، اما این جایزه می‌تواند مشوق خوبی برای نویسندگان باشد که عمر، وقت و توان خود را برای تولیدات ادبی صرف می‌کنند و در این راه قلم می‌زنند.

■ فارسی زبان‌های دیگر کشورها خواستار سهمی شدن در جایزه ادبی جلال آل احمد بودند

نویسنده کتاب «نظریه‌های آنومی اجتماعی» اضافه کرد: طبیعتاً جایزه ادبی جلال آل احمد ممکن است مورد توجه سایر فارسی زبانان جهان نیز قرار بگیرد، کما اینکه در سال‌های گذشته تمایل برای سهمی شدن و شریک شدن در این جایزه وجود داشت، اما



از زخم کاری تا گلابیاتور ۲

احسان رستگار

■ حتی هالیوود، بیش از شبکه نمایش خانگی، خشونت را در رده‌بندی سنی اعمال می‌کند

۱- بس گلمند و حسرت‌به‌دل است که ساترا در راستای انجام وظیفه‌ی مصرّح قانونی و اخلاقی خود، سعی کرده از حقوق معنوی مخاطب حمایت کند، در نتیجه صحنه‌ی به قول خودش «وحشتناک» آتش زدن کریم توسط مالک را نامناسب دانسته و مخاطب محروم شده از تماشای جیغ‌های ممتد کریم، حین زنده‌جزغاله‌شدن؛

۲- محمدحسین مهدویان در گفت‌وگو با «هوشنگ گلمکانی»، از قضا به فیلم غیر قابل اعتناء و بیش از حد معمولی گلابیاتور ۲ اشاره می‌کند پیرو منطقی و شایع جلوه دادن زخمی کردن شبکه‌ی نمایش خانگی با تولید فصول پایان‌ناپذیر «زخم کاری»؛

فلذا خالی از لطف نیست به این نکته اشاره شود که اگر محمدحسین مهدویان و دیگر خشن‌سازان و خشونت‌گستران در شبکه‌ی نمایش خانگی، فرصت یابند، نه تنها در حد فیلم مشمئزگونه‌خشن گلابیاتور ۲، بلکه بیش از آن، خشونت‌هایی تهوع‌آور و روان‌پریش‌گر، راهی گوش‌ها و مزاحم خانه‌های مردم خواهند شد، همان‌طور که بسیاری روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، معتقدند مهدویان در فصول مختلف زخم کاری، مصرف دخانیات و سیگار را به نحوی دل‌پذیر و جذاب، میان جوانان و میان‌سالان، عادی‌سازی کرده و افزایش داده است!

۳- در ادامه‌ی مورد شماره‌ی دو، بسیار ره‌گشاست توجه به این نکته‌ی تعجب‌آور که برای فیلم خشن گلابیاتور ۲، با نسخه‌هایی مشابه، در سکوهای «نماوا» و «فیلم‌نت»، گروه سنی +۱۵، در نظر گرفته شده و فقط سکو «فیلم‌مو»، درجه‌بندی +۱۸ را کنار آن درج کرده و هر سکو، دارد بدون توجه به راهنمایی‌ها و تذکرات، ساز خویش را می‌نوازد در امور مختلف، به‌ویژه رده‌بندی سنی.

۴- باورش مشکل است ولی واقعیت دارد که گلابیاتور ۲، نه به دلیل صحنه‌های جنسی -که در آن وجود ندارند- بلکه فقط به واسطه‌ی نمایش صحنه‌های کشتن بدیع‌خشن، پرخون و با نمایش جزئیات آزاردهنده‌ی کم‌نظیر، در کشور مبدأ فیلم یعنی آمریکا و کشورهای مقصد نمایش گلابیاتور، واجد رده‌بندی (R) یا همان مثبت هجده‌سال شده!

جالب است که در نسخه‌های دوبله‌شده‌ی سکوهای فوق‌الذکر داخلی و یا زیرنویس‌شده‌ی آنان نیز تماماً این صحنه‌ها وجود دارند و ابداً اصلاح یا حذف نشده‌اند!

یعنی آمریکا و اروپا، این فیلم را برای بالای هجده‌سال و ندرتاً هفده‌سال، مجاز می‌دانند ولی در شبکه‌ی نمایش خانگی ایران، از نظر مدیران سکوهای چون نماوا و فیلم‌نت، درجه‌بندی مثبت پانزده‌سال، کفایت می‌کند! در واقع به عبارتی، این نوع سیاست‌گذاری فرهنگی مدیران برخی پرمخاطب‌ترین سکوها، یعنی این که ایرانیان از آمریکایی‌ها، خشونت‌پسندتر و روادارترند نسبت به دیدن و ترویج صحنه‌های فجیع خشن در سینماها، منازل و گوشی‌های خود، خانواده و فرزندان‌شان.

۵- مطابق مصوّبه‌ی سی‌ام خردادماه ۱۴۰۲ «شورای عالی انقلاب فرهنگی»، گرچه مسئولیت نظارت و تنظیم‌گری سریال‌ها، برنامه‌ها و تولیدات داخلی در شبکه‌ی نمایش خانگی، با سازمان صدا و سیماست ولی مسئولیت اعطاء مجوز نمایش به فیلم‌های خارجی در سکوهای شبکه‌ی نمایش خانگی و دیگر فضاها مثل سالن‌های نمایش و سینماها و نظارت بر آن، بر عهده‌ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و طبیعتاً باید در قبال مسائلی از این جنس، پاسخ‌گو باشد و اگر به هر دلیلی، توان یا بنای انجام وظایف محوّله‌ی مجوزی و نظارتی‌اش در حوزه‌ی فیلم‌ها و پویانمایی‌های خارجی را ندارد، شاید خالی از لطف نباشد، شورای عالی انقلاب فرهنگی، این بخش از مسئولیت شبکه‌ی نمایش خانگی را نیز به سازمان صدا و سیما (ساترا) بسپارد.

سینمای ایران به دنبال فیلم اجتماعی فیلم اجتماعی به دنبال سالنی برای اکران

احمد محمدتبریزی



حجم از سینمای کم‌دی که این روزها شاهد آن هستیم نمی‌تواند یک جریان اتفاقی باشد، جای خالی سینمای اجتماعی در اکران این روزها به نظر می‌رسد یک جریان کاملاً هدایت‌شده است.

از آن طرف فیلم «عزیز» نیز سرزوشتی مشابه را تجربه کرده است. این فیلم پس از چند سال به اکران رسیده و به جهت داشتن سالن وضعیت مناسبی در مقایسه با دیگر فیلم‌ها ندارد. سیدعلی احمدی، تهیه‌کننده فیلم نیز با حضور در برنامه «هفت» به این موضوع اشاره کرد و چنین گفت: «زمانی که این فیلم را می‌ساختیم سینمای مستقل و اجتماعی ما هنوز به این حد از وخامت نرسیده بود و اکنون شرایط اکران و تبلیغات ما عجیب است.»

دو فیلم خوش‌ساخت دیگر یعنی «تعارض» و «برف آخر» نیز همچون دو فیلم گذشته، پس از گذشت چند سال به اکران رسیده‌اند و وضعیت جالبی جهت داشتن سالن و تبلیغات ندارند. هنوز به طور دقیق نمی‌دانیم سیاست مدیران سینمایی فعلی درباره سینمای اجتماعی چگونه است. آیا آنها همان روند گذشته را ادامه خواهند داد یا مسیر ریل‌گذاری شده گذشته تغییر خواهد کرد.

اکران این فیلم‌ها برای شروع اتفاق خوبی است اما مسئله مهم‌تر به مدیریت اکران هم برمی‌گردد. اکران هم‌زمان چهار فیلم آن

اکران چهار فیلم اجتماعی «عزیز»، «مدت مرگ نامعلوم»، «برف آخر» و «تعارض» بارقه‌هایی از امید را در دل سینمادوستان زنده کرده است. اکران این فیلم‌ها نشان می‌دهد سینمای اجتماعی، هر چند کم‌جان، همچنان نفس می‌کشد و فیلم‌هایی برای عرضه دارد.

بازار گذاری مسئولان سینمایی دولت گذشته، ساخت فیلم‌های اجتماعی که زمانی نقطه قوت سینمای ایران بود به محاق رفت و جای آن را کم‌دی‌های کم‌مایه گرفت. اگرچه اکران فیلم‌های کم‌دی رونق را به گیشه آورد، ولی اندیشه و دغدغه‌محوری را از سینمای ایران دور کرد تا کلکسیون چند ساله اخیر سینمای ایران، مشتتی فیلم ضعیف کم‌دی باشد.

وضعیت فیلم‌سازی در سینما و تکیه بیش از اندازه به فیلم‌های کم‌دی موجب شد تا سینمای ایران تک‌ژانری شود. در غیاب ژانرهای دیگر فقط فیلم‌های کم‌دی پشت سر هم اکران و ساخته می‌شدند تا حتی سینمای ایران برای معرفی نماینده به جشنواره‌های جهانی گزینه‌های مناسب نداشته باشد. بقدری دست سینمای ایران از داشتن فیلم‌های خوب و استاندارد خالی شد که پیدا کردن چند فیلم برای معرفی به جشنواره‌های معتبر جهانی به یکی از سخت‌ترین کارها تبدیل شد.

یکی از نشانه‌های ریل‌گذاری اشتباه مدیران سینمایی وقت به توقیف و اکران نکردن فیلم‌هایی مثل «مدت مرگ نامعلوم» برمی‌گردد. هنوز مشخص نیست چرا و با چه ادله و دلیلی فیلم قابل قبول علی زرنگار سه سال توقیف ماند و اکران نشد.

موضوعی که زرنگار نیز به آن اشاره می‌کند و با انتقاد از اختصاص سالن‌های سینمایی برای اکران فیلم‌های کم‌دی می‌گوید: «این

ایران سایبری-فیزیکی آینده

صرفا تامین الزامات حکمرانی فضای مجازی ممکن است

عزیز نجف پور آقابیکلو



دکتر عزیز نجف پور آقابیکلو دانش آموخته حوزه مهندسی و فلسفه علم و فناوری است و در طی این سالها در حوزه نظریه و حکمرانی فضای مجازی مقالات و یادداشت‌های زیادی را منتشر کرده است.

او سابقه حضور در مرکز ملی فضای مجازی در کسوت مشاور و عضویت در شورای معاونان مرکز را دارد. ریاست مرکز مطالعات فضای مجازی، ریاست واحد الکترونیکی و دبیر شورای فضای مجازی دانشگاه آزاد اسلامی از دیگر مسوولیت‌ها و سوابق اوست.

■ **سلام علیکم. جناب دکتر نظر تان در مورد مصوبه اخیر شورای عالی فضای مجازی در مورد رفع فیلترینگ سکوها بین المللی چیست؟**

سلام علیکم. قبل از پاسخ به سوال شما چند توضیح بدهم. اول اینکه منظور تان از سکوها بین المللی مبهم است. ما چیزی به نام سکوها بین المللی نداریم و آنها سکوها آمریکایی هستند که در ارض مجازی کشورها ورود کرده‌اند و با ارائه خدمات خرد به مردم، عملا در حکمرانی دولت‌های ملی دخالت می‌نمایند. مردم عادی از خدمات خرد این سکوها بهره‌مند می‌شوند ولی عمدتاً اشرف کافی به مداخله این سکوها در امور کلان حاکمیتی کشورمان ندارند و این وظیفه نخبگان و رسانه‌ها و مسوولان است که سواد حکمرانی فضای مجازی جامعه را افزایش دهند که به نظرم در این حوزه کم کاری کرده‌اند.

و اما در مورد سولاتان باید عرض کنم که مساله اصلی ما فیلترینگ یا عدم فیلترینگ نیست و بلکه به دلیل نبود الزامات تامین حکمرانی، مجبور به فیلترینگ شده‌ایم. مساله اصلی ما حفظ حکمرانی بر ساحت مجازی کشورمان است و فیلتر این چند سکوی آمریکایی از سر ناچاری بوده و رهبری هم در پاسخ کسانی که خواستار رفع فیلتر بودند قید حکمرانی قانونمند را مطرح کردند.

تعامل با دنیا هم گریز ناپذیر است و فیلترینگ صرفاً راهکار سلبی بوده تا از آسیب‌ها مصون بمانیم و طبعاً اگر بتوانیم مجموعه راهکارهایی پیدا کنیم که در عین حفظ استقلال و تمامیت ارض سایبری از خدمات این سکوها بهره‌مند شویم، دیگر کسی موافق تداوم فیلتر آنها نخواهد بود. فلذا مطالبه رفع فیلترینگ ناگزیر باید به مطالبه برنامه اثباتی حکمرانی قانونمند برسد و عرض کردم که فرمایش رهبری هم در باب حکمرانی قانونمند هم بدین معنا اشاره دارد و دکترین پشت سر آن تعامل مثبت با دنیا در عین حفظ استقلال، عزت، هویت و منافع ملی است. تعریف تیپ ایده‌آل ایرانی مسلمان در تراز جهانی، مساله اصلی این دکترین است و اتفاقاً جریان سلطه هم بدین نقطه دست گذاشته و تلاش می‌کند هویت‌های مغایر با تیپ ایده‌آل ایرانی مسلمان را البته بر اساس شاخص‌های غربی بازتعریف کند و باید ببینیم که ما در این عرصه هم کوتاهی کرده‌ایم و ریشه مشکلات و گرفتاری‌های چند بحران سال‌های اخیر هم در اینجا است. اخیراً یک سخنرانی از آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا منتشر شده که در آن به صراحت به تعریف آینده برخی ایرانیان متناسب با شاخص‌ها و مطلوبیت‌های غربی اشاره دارد. عیناً متنش را بخوانم که می‌گوید: «... کاری که ما در مقاطع زمانی مختلف سعی کرده‌ایم انجام دهیم این است که به بهترین شکل ممکن، افرادی را در داخل ایران که خواهان آینده‌ای متفاوت برای کشور هستند، بیشتر توانمند کنیم... ما باید قویاً در کنار کسانی در ایران باشیم که خواهان آینده‌ای متفاوت هستند.»

به نظرم در این حوزه چالش قدیمی دوگانه جهانی شدن - غربی‌سازی را به عینه شاهدیم. ایران امروز حتماً که باید در تمام عرصه‌های جهانی حضور فعال داشته باشد ولی دلیلی ندارد که تن به غربی‌شدن بدهد و منافع و هویت ملی خودش را به نفع غربی‌ها به محاق ببرد و استقلال حکمرانی خودش را خدشه دار نماید. دلیلی ندارد رفتار مردم ما بر اساس شاخص‌های غربی، که از نظام ارزشی و منافع و مطامع سیاسی و اقتصادی شان ناشی می‌شود، تنظیمگری شود و اصلاً هیچ توجیهی ندارد که زمینه اشرف و اعمال دخالت بیگانگان در امور کشور ایجاد شود. این حرف‌ها هم صرفاً مساله و طمالبه جریان انقلابی نباید باشد بلکه توسط هر فردی که داعیه ملی‌گرایی و وطن دوستی هم دارد، باید مطرح شود.

متأسفانه در طی چند سال گذشته یک جریان زرد رسانه‌ای مساله‌ای بدین اهمیت را به صورت کاملاً معوج و سطحی و حتی کاذب بازنمایی کرده و مساله را به سلب آزادی‌های مردم در استفاده از سرویس‌های بین‌المللی تقلیل داده است در حالی که این دروغی بیش نیست و متأسفانه در رقابت‌های انتخاباتی هم همین مساله مرتب تکرار شد و الان که دولت مستقر شده، بالاخره وعده او به مثابه وعده یکی از ارکان حاکمیت نمود یافته و عملاً دولت از یک سو مجبور است به شعار سیاسی خودش عمل کند و در مسیر رفع فیلترینگ اقدامی بنماید ولی از سوی دیگر در عمل که به ابعاد حکمرانی موضوع اشرف پیدا کرده تازه متوجه عمق مساله شده و بعضاً تلاش می‌کند موضعی میانه اتخاذ کند و طبعاً اگر جریان زرد سیاست زده اجازه دهند دولت می‌تواند در این عرصه عاقلانه‌تر عمل کند. جمع کردن این دو موضوع، یعنی حفظ حکمرانی و حضور سکوها خارجی در کشور، مساله هر آدم عاقلی با هر گرایش سیاسی است و کسی نمی‌تواند این کلاف سردرگم را صرفاً با شعارهای سیاسی و ژورنالیستی شبه کارشناسان باز کند.

متأسفانه یک اتفاق بدی هم افتاده این است که جریان رسانه‌ای کشور، حتی بخشی از رسانه‌های انقلابی، چون تلقی صرف رسانه‌ای از فضای مجازی دارد متوجه ابعاد حکمرانی و قدرت در فضای سایبر نیستند و این مساله باعث شده فضای رسانه‌ای به صورتی ناقص و تک بعدی موضوع را تبیین و مطالبه کنند و مردم را به اشتباه بیندازند. حتماً که اگر فضای مجازی رسانه صرف بود نوع تعامل ما متفاوت از آنی بود که الان داریم تعامل می‌کنیم. هر چند حرف‌های بی‌منا و مغرضانه برخی روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری پشتیبان دولت، سهم اصلی را در سطحی‌زدگی و انحرافی شدن این موضوع دارد.

علی‌ای حال، علیرغم اینکه این مصوبه اشکالاتی جدی دارد و مثلاً بدون هیچ ضمانتی برای تامین حکمرانی کشور، این دو سکو را باز کرده است. ولی همین مصوبه ناقص هم باید کامل اجرا شود و اینگونه نباشد که بدون تامین سایر الزامات، سکوها دیگر هم باز شوند و سایر بندهای مصوبه که به نوعی به تامین لوازم حکمرانی توجه دارد مورد غفلت قرار گیرد و این وظیفه خطیر مدیریتی و نظارتی مرکز ملی را گوشزد می‌نماید. جالب هم این است که مصوبه هنوز ابلاغ نشده و مراحل قانونی آن برای اجرا طی نشده است ولی وزارت ارتباطات پیشواز رفته و رفع فیلتر را شروع کرده است... این سطح از ذوق زدگی اصلاً برای دستگاه مدیریتی کشور خوب نیست.

البته حسب شارات‌اتیمز رسانه‌ای که در طی این چند مدت از جریان استعمار سایبری دیدیم، پیشبینی می‌شود که این جریان به سمت فشار برای عدم اجرای کامل مصوبه و رفع فیلتر سایر سکوها بدون تامین الزامات حکمرانی برود. فلذا نخبگان و دوستداران انقلاب و کشور باید مساله را جدی‌تر بگیرند و در عین نقد کارشناسی و اصلاح مصوبه، به اجرای کامل مصوبه نظارت نمایند.

■ **آیا مصوبه شورا این حکمرانی قانونمند را تامین می‌کند یا خیر؟** مصوبه که رسماً منتشر نشده است و قضاوت در مورد محتوای آن دقیق نیست ولی روایت‌هایی که تا الان شده نشان می‌دهد فارغ از بندهای مهمی که پیش‌نویس مصوبه در باب حکمرانی پذیر کردن سکوها خارجی وجود داشته ولی تدبیر خاصی برای اعمال حکمرانی بر این دو سکوی آمریکایی مصوب نشده و طبعاً کسانی که در شورای فضای مجازی بدین مصوبه رای مثبت داده‌اند مسوولیت این تصمیمشان را پذیرفته‌اند و بعداً پاسخگو خواهند بود.

مستحضر هستید که ما برای اعمال حکمرانی در حوزه ارض سایبری کشور تا بحال دو سیاست اصلی داشته‌ایم: اول توسعه سکوها داخلی؛ دوم قانونمند کردن حضور سکوها خارجی در کشور. در سیاست اول امروز شاهد توسعه سکوها داخلی با کیفیت مناسب هستیم که فارغ از فضا سازی‌های رسانه‌ای، مورد اقبال توده مردم قرار گرفته و روند کاربری آنها مدام در حال توسعه است و این روند را آمارها تایید می‌کنند و البته چالش‌های متعددی هم دارند که به مرور در حال رفع شدن است. در سیاست دوم سکوها پرچالش خارجی‌ای چون اینستاگرام و تلگرام و واتس‌آپ و فیس‌بوک و ... با قدری تمام هیچوقت حاضر به پذیرش و اعمال مقررات کشور نشدند و به همین خاطر، نظام چاره‌ای جز فیلتر نداشت. اتفاق مهمی که در اجرای سیاست دوم افتاده اتحاد آگاهانه یا ناآگاهانه چندین جریان برای شکست سیاست دوم است: جریان اول کانال‌داران بزرگ که حاضر نشدند به خاطر منافع شخصی و یا بعضاً ملاحظاتی سیاسی به سکوها داخلی مهاجرت کنند و عملاً بخشی از جامعه را در این سکوها فیلتر شده نگه داشتند جریان دوم فیلتر شکن فروش‌ها بودند که همپای با جریان

سوم یعنی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها که فیلتر شکن رایگان در اختیار مردم گذاشتند مانع از مهاجرت شدند و حتی موج بازگشت را رقم زدند و من این ماجرای فیلتر شکن را شبیه واقعه جنگ تریاک در چین می‌دانم جریان چهارم رسانه‌های استعمار مجازی بودند که شبانه روز بر افسانه آزادی و دموکراتیک انگاری سکوها خارجی و قفس شماری سکوها داخلی دامن زدند و با حرف‌های پرتی چون چون تیک سوم مردم را از تهدید حریم خصوصی خود ترساندند در حالی که قضیه کاملاً برعکس بود و آنکسی که اتفاقاً به داده‌های شخصی مردم اشرف داشت و سواستفاده کرده و می‌کند سکوها خارجی هستند و برخلاف سکوها داخلی، ما هیچ ابزاری برای نظارت بر تخلفات احتمالی ایشان نداریم. جریان پنجم و مهمترین جریان، مسوولان جمهوری اسلامی بودند که در لایه عموم مسوولان با حفظ و تداوم حضور در سکوها خارجی و متعاقباً تولید محتوا در بستر این سکوها عملاً مانع از مهاجرت شدند و مثلاً از وزرای دولت‌ها بگیرد تا نمایندگان مجلس و حتی برخی اعضای شورای عالی فضای مجازی همچنان در این سکوها فعالیت دارند و کار به جایی رسید که بخشدار فلان منطقه دورافتاده هم اطلاع‌رسانی عملیات لوله‌کشی فاضلاب بخش را در تلگرام و توئیتر و ... انجام می‌دهد. ولی در لایه تخصصی مسوولان و متولیان حکمرانی فضای مجازی واقعیت این است که برنامه جامع مهاجرت به سکوها داخلی بعد از مدتی رها شد و از مرکز ملی فضای مجازی تا لایه‌های زیرین ذینفعان، ادامه اجرای جدی برنامه مهاجرت را رها کردند. عدم ورود مجلس برای وضع قوانین ذریبط هم هم مزید بر علت بود. وقتی در مجلس قبل، طرح صیانت که به نوعی اولین ورود جامع مجلس برای قانونگذاری در حوزه حکمرانی سایبری بود، علیرغم ایراداتی که طرح مذکور داشت ولی کار متوقف ماند و مقرر شد که طرح توسط تیم عقلای خودمطلقاً عاقل پندار مجلس بازنویسی شود ولی دیدیم که آخرش هم هیچ اتفاقی نیفتاد و جز بازی‌های زرد رسانه‌ای اطرافیان رییس مجلس چیزی حاصل نشد و علیرغم تأکیدات رهبر، این فضای مجازی ول کماکان ول رها شد.

البته قبلاً هم گفته‌ام که این دو سیاست برای استقلال سایبری ما کافی نیستند و ما نیازمند سیاست سوم هستیم که تعاملات و ارتباطات بین المللی مردم ایران را در فضایی عادلانه و آزاد و ایمن تامین نماید. ایده جنبش عدم تعهد سایبری هم با این منظر مطرح شد بدین صورت که کشورهایی که استقلال سیاسی دارند اقدام به توسعه سکوها مختلف به صورت مشترک نمایند و امکان ارتباطات روشنند و مستقل و امن مردمشان یا سایر مردم دنیا را تامین کنند و طبعاً در این فضای مشترک، امکان مقررات گذاری بین المللی و ملی فراهم خواهد شد و دیگر سکویی بدین اقتدار نخواهد رسید که قوانین ملی یک کشور را به چالش بکشد. اجرای این سیاست کار سخت و پیچیده‌ای نیست و با ایجاد یک کنسرسیوم بین کشورهای مستقل قابل انجام است. جهت اطلاع اینکه کشورهای عضو محور مقاومت با حدود ۲۰۰ میلیون نفر شیعه و حدود ۱۰۰ میلیون نفر سنی، کشورهای جهان اسلام با جمعیت حدود ۲ میلیارد نفر و سایر کشورهای دنیا که به دنبال استقلال سایبری هستند مثلاً کشورهای عضو جنبش عدم تعهد با حدود ۴.۵ میلیارد نفر جمعیت ظرفیت بالای اجرای این سیاست را نشان می‌دهد. حتی بسیاری از کشورهای عضو بلوک غرب هم به دلیل رویکرد استعمار مجازی آمریکا ظرفیت مثبتی برای مشارکت در این سیاست دارند. کلیت این طرح هم به دولت قبل ارائه شد و وزارت ارتباطات هم درگیر موضوع شد ولی با شهادت رییس جمهور کار متوقف ماند و به نظرم الان قابلیت احیا و اجرا دارد و رییس محترم جمهور در مسافرتی که به عراق داشت وقتی از ضرورت پول واحد جهان اسلام صحبت کرد عملاً نشان داد که فهم این قبیل مسائل را دارد.

■ **با تمام توضیحاتی که دادید الان شما موافق تداوم فیلترینگ هستید؟** طبق که توضیحی که دادم این نوع طرح پرسش غلط است و دوقطبی فیلترینگ-آنتی فیلترینگ یک دعوی ساختگی و بی‌مبناست و اصل مساله بر سر اعمال حکمرانی و جلوگیری از تجاوز خارجی‌ها بر امورات کشور است و فیلترینگ صرفاً ابزاری محدود برای جلوگیری از این تجاوز بوده که باید با اقدامات دیگری همراه می‌شد و علیرغم کارهای ارزشمندی که انجام پذیرفته این اقدامات فنی و اجتماعی به خوبی انجام نشد. اصولاً هم آنهایی که به جد دنبال رفع فیلترینگ این سکوها بوده هستند باید پاسخ بدهند که کدام یک از دلایل فیلترینگ این سکوها برطرف شده که ایشان قانع شدند که باید رفع فیلتر کنند؟ خصوصاً اینکه در طی یکسال گذشته روند درگیریهایی امنیتی ما با نظام سلطه شدت زیادی گرفته و به زودی موج جدید جنگ شناختی و رسانه‌ای ایشان بر علیه محور مقاومت و مشخصاً ایران را شاهد خواهیم بود... آقایان برای این مساله چه تاملی کرده‌اند و چه پاسخی دارند؟ (جام جم)

ادامه دارد



جایگزینی برای گذرنامه‌های کاغذی

فناوری تشخیص چهره و گوشی‌های هوشمند؛ جایگزینی برای گذرنامه‌های کاغذی

به گزارش وبگاه خبری Wired، در آینده‌ای نه چندان دور، چهره شما ممکن است تنها مدرکی باشد که برای سفرهای بین‌المللی نیاز دارید. ترکیب فناوری تشخیص چهره و گوشی‌های هوشمند دولت‌ها و فرودگاه‌ها را به سوی حذف گذرنامه‌های کاغذی سوق داده است. این تحول می‌تواند زمان انتظار در فرودگاه‌ها را کاهش دهد، اما از سوی دیگر نگرانی‌هایی در مورد امنیت داده‌ها و افزایش نظارت عمومی به دنبال داشته است.

کشورهایی مانند فنلاند، سنگاپور، امارات متحده عربی و ایالات متحده، آزمایش‌های متعددی برای استفاده از سیستم‌های سفر بدون گذرنامه انجام داده‌اند. به عنوان نمونه، سنگاپور امکان سفر بدون ارائه مدارک فیزیکی را برای مسافران فراهم کرده است. این فناوری با ذخیره اطلاعات موجود در تراشه‌های «NFC» گذرنامه‌ها و انتقال آن به گوشی‌های هوشمند، فرآیند احراز هویت را تسهیل می‌کند.

علیرغم کاهش زمان انتظار، فناوری‌های تشخیص چهره و شناسایی دیجیتال نگرانی‌هایی جدی در مورد حفاظت از داده‌ها و احتمال سوءاستفاده از اطلاعات ایجاد کرده‌اند. خطراتی مانند تقلب، نقص سیستم‌ها و خطا در تأیید مسافران از جمله چالش‌هایی هستند که کارشناسان در این حوزه به آن‌ها اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، تفاوت استانداردهای حفاظت از داده در کشورهای مختلف می‌تواند اعتماد کاربران را تحت تأثیر قرار دهد.

با وجود نگرانی‌های موجود، پیش‌بینی می‌شود فناوری گذرنامه دیجیتال به زودی به یک استاندارد جهانی تبدیل شود. کارشناسان معتقدند که شفافیت در استفاده از داده‌ها و وضع قوانین سختگیرانه‌تر برای حفاظت از حریم خصوصی، می‌تواند پذیرش این فناوری را افزایش دهد. در چنین شرایطی توسعه سیستم‌های جایگزین برای رفع خطاهای احتمالی و ارتقای امنیت نیز ضروری به نظر می‌رسد. آینده سفرهای بین‌المللی به سرعت در حال تغییر است و فناوری نقش کلیدی در این تحول ایفا می‌کند.

هشدار پدرخوانده هوش مصنوعی

درباره خطر انقراض بشر

■ **احتمال ۱۰ تا ۲۰ درصدی انقراض بشر طی سه دهه آینده** به گزارش وبگاه خبری گاردین، پروفیسور جفری هینتون، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان حوزه هوش مصنوعی که به پدرخوانده این فناوری معروف است، به تازگی هشدار داده است که هوش مصنوعی می‌تواند ظرف ۳۰ سال آینده به تهدیدی برای بقای بشریت تبدیل شود. او احتمال وقوع این حادثه را بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تخمین زد و تأکید کرد که سرعت پیشرفت این فناوری بسیار فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه است.

هینتون در مصاحبه‌ای با شبکه بی‌بی‌سی گفت: «ما تاکنون با چیزی هوشمندتر از خودمان روبرو نکرده‌ایم. کنترل موجودی هوشمندتر توسط موجودی کمتر هوشمند تقریباً غیرممکن است.» او انسان‌ها را در مقایسه با هوش مصنوعی پیشرفته به کودکان سه ساله تشبیه و تأکید کرد که این عدم توازن هوش می‌تواند به مشکلات غیرقابل کنترلی منجر شود.

هینتون که سال گذشته برای ابراز آزادانه نگرانی‌های خود از سمتش در گوگل استعفا داد، بار دیگر خواستار اعمال مقررات دولتی برای کنترل توسعه هوش مصنوعی شد. او گفت: «تکای صرف به انگیزه‌های اقتصادی شرکت‌های بزرگ برای توسعه ایمن این فناوری کافی نیست. تنها قوانین و مقررات دولتی می‌تواند آن‌ها را به انجام تحقیقات بیشتر در حوزه ایمنی ملزم کند.»

هینتون همچنین تأکید کرد که با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی، سرعت این توسعه نیازمند توجه فوری و جدی است. وی خواستار همکاری گسترده‌تر میان دولت‌ها، شرکت‌ها و دانشمندان برای مدیریت و کنترل این فناوری شد تا از خطرات احتمالی برای بشریت جلوگیری شود.

در حالی که هینتون نسبت به تهدیدات هوش مصنوعی هشدار می‌دهد، یان لاکان، یکی دیگر از «پدرخوانده‌های هوش مصنوعی» و دانشمند ارشد شرکت متا، این نگرانی را اغراق‌آمیز دانسته و معتقد است که هوش مصنوعی حتی می‌تواند به نجات بشریت کمک کند. این اختلاف نظرات نشان از پیچیدگی و ابهامات موجود در پیش‌بینی آینده این فناوری دارد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



امیدوارم با جایزه ادبی جلال آل احمد زمینه‌های دریافت سهم ایران از نوبل ادبی فراهم شود

شاه وقتی که اسد به تهران می‌آید قول می‌دهد که ما موضع بهتری در مورد فلسطین داریم. این متناقض به نظر می‌آید با موضع عمومی شاه و نزدیکی استراتژیکش به اسرائیل در آن موقع. اگر می‌شود در این مورد توضیح دهید.

1

سینمای ایران به دنبال فیلم اجتماعی، فیلم اجتماعی به دنبال سالنی برای اکران

هنوز به طور دقیق نمی‌دانیم سیاست مدیران سینمایی فعلی درباره سینمای اجتماعی چگونه است. آیا آنها همان روند گذشته را ادامه خواهند داد یا مسیر ریل‌گذاری شده گذشته تغییر خواهد کرد.

1

کار گروه «ساخت فیلم‌های ورزشی» تشکیل می‌شود

فاطمه شهرابی

در راستای حمایت از ساخت فیلم‌های ورزشی، نشست با حضور احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان برگزار شد.

دنیامالی در این جلسه با تاکید بر نیاز جامعه به ویژه قشر جوان به معرفی الگوهای فرهنگی ورزش کشور، اظهار کرد: وزارت ورزش به همراه کمیته ملی المپیک از ساخت فیلم‌های فاخر و اثرگذار ورزشی و استفاده از ظرفیت هنر هفتم برای امیدآفرینی از حوزه ورزش و جوانان حمایت خواهد کرد.

وی با اشاره به رشد و ارتقای جشنواره فیلم‌های ورزشی ابراز امیدواری کرد که جشنواره سال آتی با قدرت بیشتری برگزار شود. در این دیدار سیدمناف هاشمی، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت ورزش گزارشی از حمایت کمیته ملی المپیک در جشنواره گذشته ارائه و با پیشنهاد تشکیل شورای سیاست‌گذاری، بر لزوم برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنواره آتی تاکید کرد.

راند فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی وزارت فرهنگ



و ارشاد اسلامی نیز با قدردانی از حمایت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک از جشنواره چهاردهم فیلم‌های ورزشی، نگاه حمایتی وزیر ورزش و جوانان به ساخت فیلم‌های ورزشی را «تفاهلی فرخنده» خواند و گفت این موضوع، مسیری را برای تداوم حمایت از فیلم‌سازان حوزه ورزش ایجاد خواهد کرد.

در پایان این نشست مقرر شد تا به منظور برنامه‌ریزی برای ساخت و حمایت از تولیدات ورزشی، کارگروهی با حضور نمایندگان از وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و سازمان سینمایی تشکیل شود.

بازگشایی آزادی با ۱۰۰ تماشاگر



پس از برگزاری جلسه هماهنگی دیدار منتخب ۹۸ و پیشکسوتان سرخابی، مقرر شد، این بازی با تعداد ۱۰۰ تماشاگر که ۳۰۰ نفر آن‌ها بانوان هستند، ساعت ۱۶:۳۰ برگزار شود.

فیفا هزینه‌های VAR را کم می‌کند



«اتاق VAR بسته می‌شود» این عنوان گزارش نشریه «موندو دپورتیوو» درباره تصمیمات جدید فیفاست. این نشریه نوشت:

فیفا قصد دارد هزینه VAR را کاهش دهد و تنها داور وسط تعیین کننده باشد. هر تیم دوبار در یک بازی می‌توانند به یک صفحه اعتراض کنند و درخواست VAR بدهند.

ناامیدی از فوتبال وای به روزی که بگندد نمک!

شیوانوروزی



قطعا این اولین باری نیست که ارکان فدراسیون اهمیتی به نظرات رئیس یکی از کمیته‌ها نمی‌دهند و صحبت‌هایش را در حد مشورت ساده در نظر می‌گیرند. ببینید اوضاع تا چه اندازه وخیم شده که جلالی هم دیگر نتوانسته شرایط را تحمل کند و نسبت به رد پیشنهادهای خوبش ابراز پشیمانی می‌کند. البته او نباید خیلی ناراحت باشد، چراکه شاید باز هم با

کمیته داوران، کاملاً در حیطه اختیارات شماسات تا طرح و نظر بدهید و تصمیم‌گیری کنید. ارکان فدراسیون نظرشان این است که کمیته فنی کارش مشورتی است، نه تصمیم‌گیری. در این یکسال، دو پیشنهاد بسیار خوب داشتیم، اما فکر کردم می‌توانم منشأ خدمت بیشتری در فدراسیون باشم. اگر ارکان فدراسیون بخواهند همین دست فرمان را پیش ببرند آینده خوشی برای فوتبال نمی‌بینم.»

شنیدن این نقدها از زبان کسی که سال‌هاست در فوتبال این مملکت فعالیت می‌کند و هدایت تیم‌های لیگ برتری زیادی را برعهده داشته، کمی عجیب است. همین رئیس کمیته فنی تا چند وقت پیش در مورد فوتسال مردان، زنان و مسائل دیگر اظهار نظر می‌کرد و از برکناری سرمربی فلان تیم ملی خبر می‌داد. چرا آن زمان مجید جلالی متوجه سوءمدیریت‌های حاکم بر فدراسیون نشده بود؟! آوازه مدیریت فشل و چالش‌های متعدد فوتبال ما به گوش دنیا رسیده و مردم ایران حتی آنها که نتایج فوتبال را دنبال نمی‌کنند نیز از این واقعیت‌ها آگاه هستند. در فاصله دو ماه تا برگزاری انتخابات فدراسیون چه اتفاقی باعث شده یکی از مدیران فعلی علیه مدیریت فعلی فدراسیون اینگونه لب به انتقاد بگشاید.

است و دیگر نمی‌توان با ژست گرفتن و شعار دادن حواس‌ها را پرت کرد. اینکه یک نفر از داخل مجموعه فدراسیون نوید روزهای تلخ و ناامیدکننده‌ای را به فوتبال بدهد، شدت فاجعه را نشان می‌دهد. با اخباری که شنیده می‌شود و روندی که در پیش گرفته شده، حتی نمی‌توان نسبت به انتخابات پیش‌روی فدراسیون هم خوش‌بین بود و در کل تا دست فرمان‌مدیریتی فوتبال تغییر نکند، خبری هم از پیشرفت و تحول نخواهد بود.

پیشنهادهای خوبی مواجه شده، ولی پشیمانی و ناراحتی اصلی برای فوتبال و هوادارانش باقی می‌ماند و باید بگوییم وای به روزی که بگندد نمک. این رشته پرطرفدار و با بودجه کلان، سال‌هاست که حسرت مدیریت حرفه‌ای و صحیح به دلش مانده و هیچ‌کس نیست بابت شکست‌ها، ناکامی‌ها و سوءمدیریت‌ها به مردم جوابگو باشد. گوش‌مان از مصاحبه‌های پرطمطراق و وعده‌های پوچ پر

وقتی می‌گوییم اوضاع فوتبال خوب نیست به آقایان برمی‌خورد و سعی می‌کنند با برخوردی قهری مقابل انتقادهایمان بایستند. حالا که یکی از مدیران فدراسیون در اثر برخوردی غیرحرفه‌ای دچار یأس فلسفی شده و برای فوتبال ایران آینده تاریکی را پیش‌بینی کرده، منتظریم ببینیم چه واکنشی به انتقاد مدیر خودی نشان می‌دهند.

رئیس کمیته فنی و توسعه فدراسیون اگرچه در ظاهر پستی دهان پرکن به نظر می‌رسد، ولی در عمل و در فوتبال ما رسماً محلی از اعراب ندارد. این سمت هرچند برای فیفا اهمیت زیادی دارد و مورد قبول این نهاد بین‌المللی است، اما از آنجایی که در فوتبال ایران هیچ چیز سرچایش نیست و هیچ‌کس براساس سوابق، کارایی و تجاربش مسئولیت نمی‌گیرد، قاعدتاً رئیس کمیته فنی نباید انتظار حمایت از کسی را داشته باشد. باین حال مجید جلالی که اتفاقاً تا همین چند وقت پیش به‌عنوان سخنگو مدام در مورد مسائل مختلف اظهار نظر می‌کرد به یکباره به وضعیت اسفناک حاکم بر مدیریت این رشته پی برده و جوری عصبانی شده که در گفت‌وگوی تلویزیونی واقعیت‌های تلخی را به زبان آورده است: «روز اولی که آمدم، تاج به من گفت تمام حوزه‌های فنی به جز تیم ملی بزرگسالان و همچنین ساختار